



مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی عصر پنجشنبه (۲۳) شهریورماه ۱۳۵۷ شمسی

فهرست مطالب :

جعفر شریف امامی .

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
۲- اعلام دستور و تعیین موقه جلسه آینده -
۳- ادامه بحث درباره برنامه دولت جناب آقای پایان جلسه .

جلسه فوق العاده ساعت سه بعد از ظهر بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

آقای جعفر شریف امامی مطرح است . آقای معینی جاغروند
رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
تشریف بیاورید .

(بشروح زیر خوانده شد)

بعضی معینی جاغروند - بسمه تعالی شأنه با اجازه

جناب آقای رئیس و همکاران محترم .

در این دوروزیکه برنامه دولت جناب آقای شریف امامی در مجلس شورای ملی مطرح گردید و از دیدگاه مخالف و موافق مطالب و مسائل گوناگونی مورد بحث قرار گرفت که لااقل برای شخص بنده غیرت انگیز بود من از درگاه خداوند متعال مسئلت میکنم که بیانم را در بازگو کردن مسائل چه از گذشته های این مملکت وجه در وضع موجود در مسیر حق و حقیقت یاری فرماید (احسنت) و با همین زمینه صحبت است که بنده مطالبم را در دو قسمت یکی در سرگذشت نیم قرن گذشته و دیگر درباره سرنوشتی که به آن پیوسته ایم بعرض نمایندگان محترم برسانم .

در خلال قرون و اعصاریکه از حیات ملت ایران میگذرد فراز و نشیب های گوناگونی در دل تاریخ ایران و جهان به ثبت رسیده که با بررسی این دگرگونیهای حیرت آور - راز و رمز و سربقاه موجودیت ملت باستانی ما که دست توانا و سرنوشت ساز تقدیربانی برای مردم این میز و بوم رقم

غائبین با اجازه - آقایان : آصف - دکتر ابوالهدی -

دکتر اربابی - دکتر اعتمادی - جهان شاه افشار - الموتی -

اهری - بازگزی - سیح خلخالی - بنی احمد - بهرمنند

بیات - پیرزاده - جاف - جعفری - جعفر جوادی -

جیدرزاده - خزیمه - خسروی - دادفر - دکتر رحمانی -

رحیمی لاریجانی - دکتر رشید یاسمی - رهبر - دکتر

سنوده - سعیدی - سلیمانی - شهبازی - شهرستانی -

مهدی شیخ الاسلامی - صدر - دکتر صدیق اسفندیاری -

دکتر ضیایی - دکتر عادل - دکتر قروین - قرایی -

دکتر کیان - لیوانی - مجتهدی - دکتر محقق -

میرلاشاری - نوری اسفندیاری - وشمگیر - وکیل گیلانی -

یاسینی .

بانوان - اباصلتی - جهانبانی - داودی - عدیلی -

کمالی آزاد .

۲- ادامه بحث درباره برنامه دولت جناب آقای

جعفر شریف امامی .

رئیس - وارد دستور میشود برنامه دولت جناب

زده است بخوبی نمایان میگردد. (صحیح است)

زیرا ملت خداهناس ایران بارها و بارها با چنان عظمت و اوج بزرگیها به مشعلداری تمدن جهانی کمر خدمت بسته و تنها یکی از آثار فکری کوروش پادشاه بزرگ و نام آورش هم اکنون نیز شعار رسمی سازمان جهانی ملل متحد و در پیشانی تاریخ بشریت نور افشانی میکند و خوشبختانه در دورانهای تاریک و نکبت بارهم که مکرر در مکرر بعرض فنا و نیستی سوق داده شد همان دست قدرتمند تقدیر ساز در بحرانی ترین دقایق تاریخ مفتح نجات و امکان زیستن و ادامه حیات را فرا روی این ملت قرار داده است که اشاره به تمام آن فراز و نشیبها در این فرصت موجب اطاله کلام خواهد شد. ولی شاید بی مناسبت نباشد بخاطر روشن شدن اذهان نسل جوان و عزیزانی که بمقتضای سنین جوانی رابطه ای با گذشته های نزدیک و تاریک این مملکت نداشته اند بدگر مطالبی مبادرت گردد.

و در عین حال اقرار و اعتراف کنیم اگر نسل جوان امروز فارغ از رویدادهای نیم قرن اخیر این مملکت تصورات ذهنی خود را ملاک تضارتهایش قرار میدهد و روح حساس و پرهیجان دوران جوانی رنگ زندگی امروز ملت را با از درجه مشاهدات عینی خود مقیاس میگیرد این عیب مربوط به تربیت خانوادگی و سهم بزرگش متوجه آموزش و پرورش کشور میباشد که نتوانسته است اندیشه های نسل جوان و گردانندگان چرخهای فعالیت فردای این سرزمین را بگذشته های عبرت انگیز کشورش پیوند داده و برای دنیای آرزوهایشان با بهره گیری از تجربیات و رویدادهای گذشته چشم انداز واقعیت ها را روشن نماید. (صحیح است)

با این مقدمه اگر بحث از دوران محنت بار و تاریک سلطنت ۱۳ ساله سلاطین قاجار آغاز گردد لزوماً باید تذکر داد که سالهای قبل از دوران سلطنت ۱۳۰ ساله قاجاریه تحولات اساسی و گسترده دنیای غرب در سه الگوی متفاوت (انقلاب اجتماعی فرانسه انقلاب فلسفی آلمان - انقلاب صنعتی انگلستان) پدید آمده بود و بخصوص با مشکل شدن واحدهای صنعتی در انگلستان دو مسئله مهم مورد توجه قرار گرفت یکی مسئله تأمین مواد اولیه کارخانجات صنعتی و دیگری مسئله بازار مصرف کالا های تولیدی بود که موجب گردید برای اولین بار موضوع استثمار و استعمار دول دیگر برای شکل دادن به انقلاب صنعتی انگلستان پایه گذاری شد و همین مسائل بی آمدهای دیگری داشت که در قرن بیست و یکم پیشرفتهای تکنیکی

دنیای غرب گلهای بلندی برپیداشت غفلت و بی خبری زمامداران شرق میانه از جمله دوران سلاطین قاجاریه به اجرای سیاستهای استعماری و استثمار منجر گردید و در چنان شرایطی بود که دخالتهای خانمان برانداز بیگانگان برای بهره برداری های همه جانبه از کشور ما بمنصه بروز و ظهور رسید که از جمله تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ بین دولتماند انگلیس و روسیه تزاری بود که در سال ۱۹۰۷ عامل تجاوزات غاصبانه سیاستهای شمال و جنوب به ملت ایران واقع گردید و با اینکه آن قرارداد شوم با مخالفت شدید ملت ایران مواجه و هیچگاه به حیطه اجرا در نیامد عوارض جنبی آن سیاست خانمان برانداز سالها و سالها اساس استقلال و موجودیت ایران را حتی پس از استقرار رژیم مشروطیت دچار تزلزل و مخاطره نمود و با اینکه در زمان سلطنت پهلوی اول با لغو کابیتولاسیون دست درازی بحقوق ملت ایران تا اندازه ای محدود گردید

ولی بحض پیدا شدن فرصت مناسب چهره کریمه این سیاست متجاوز در شهریور ماه ۱۳۲۰ بار دیگر متجلی گردید و با اشغال ایران توسط قشون اجنبی نقش بیگانگان برای محو استقلال و حاکمیت این مملکت شکل تازه ای گرفت با این توضیح من تمام نابسامانیهای موجود و عدم رضایتمندی عمومی و دروغ برداریها و گزارشات خلاف حقیقت مسؤلان اجرائی و بی اعتنا بودن بقوانین و حقوق ملت ایران از جانب دولتهای گذشته را تأیید میکنم و بهیچوجه در صدد دفاع از روش نامطلوب آن دولتها نیستم ولی اگر در مورد ایران صحبت می کنم باید به بینیم مملکت ما چه بود و دچار چه مخاطرات و موقعیتهای مصیبت بازی گردید و سیاست های مغرب بیگانگان با ما چه کرده است (احسن است)

باید بخاطر بیاوریم در شهریور ۱۳۲۰ سالهای بعد از آن روز شوم در این مملکت چه اتفاقاتی افتاد و در آن روز کاران سیاه و پریشان احوالی کشتی طوفان زده کشور را چه کسی بساحل نجات راهنمایی کرد و اگر فداکاری و از خود گذشتگی شاه جوان آنروز نبود چگونه پیمان سه جانبه متفقین در تضمین استقلال ایران منعقد میگردد و چند سال بعد چه قدرتی میتوانست آذربایجان فرو رفته در حلقوم تجزیه طلبان را دوباره به پیکر ایران باز گرداند.

بخاطر بیاوریم چگونه برای عزیزترین و گرامی ترین سرمایه هریرانی خون پاک یعنی استقلال و حاکمیت این مرز و بوم باستانی چه نقشه هائی طرح گردیده بود. گاه بوسیله تأسیس حزب کومله کردستان نغمه تجزیه قسمتی

از خاک وطن هیزیرا ساز کردند گاه با فراهم نمودن درگیری ۱ عشایر جنوب در قارس به تحریک و اغوا علیه استقلال مملکت دست زدند گاه داستان غم انگیز خوزستان عربی را در جنوب غربی کشور بر میان کشیدند و بهیچحال عوامل دست نشانده فاجیح جنگ بین الملل دوم که با عبور از ستون فقرات ملت ایران یعنی راه آهنی که با آنهمه بدبختی و مشقت و از محل عوارض قند و شکر با همت رضا شاه کبیر ساخته شده بوده پیروزی رسیده بودند و عنوان یل پیروزی به ایران داده شده بود هر روز برای محو استقلال این مملکت به اجرای نقشه های اربابان خود مشغول بودند و سهم بیشتری از ثروت های مملکت ما طلب میکردند که بهیچحال همان دست تقدیر ملت ایران و استقلال آنرا در گیر و دراز های حوادث مکرر و خطرات حتی دوران ۲۱ منتهی به همین ماه ۴۱ حفظ نمود.

غلامرضا غصنفری - لرستان و لرستانی ها سربازخانه احتیاط و ذخیره شاه هستند.

معنی جاغروند - بخاطر بیاوریم در ایران قبل از انقلاب از اقتصاد تولید که گره گشای زندگی در جهان امروزه عامل اساسی بالابردن درآمد ملی و تضمین کننده آینده مملکت میباشد موارد چشمگیری حفظ نمیرسد. ولی امروزه بهیچ انقلاب به آن درجه ارزش اقتصادی گاه نهاده که از یک دولت وام گیرنده و اسیر در چنگال احتیاجات روزمره به یک دولت متکی به اهداف ملی و یاری دهنده به اقتصاد جهان سرمایه گذارهای مشترک در کشورهای دیگر نائل آمده است.

تقوی لاریجانی - اینهمه آوازه ها از شه بود.

معنی جاغروند - بخاطر بیاوریم در گذشته های نه چندان دور ثروت طبیعی و ذخائر ملی مملکت برای ملت ایران مایه رنج و ملال و دخالت در امور داخلی و از هم گسیختگی رشته نظم و آرامش شناخته شده بود. و اکنون در اثر اجرای سیاست مستقل ملی گذشته از فعالیت های گسترده شرکت ملی نفت پر سطح جهانی با همه موانع و مسائل متعدد درآمد نفتی ما که در گذشته از سالی دویست هزار تومان شروع و پس از هفتاد سال رقم قابل ملاحظه ای نبود با استیغای نسبی حقوق ایران از منابع نفت

هم اکنون این درآمد به سالی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار بالغ گردیده مضافاً اینکه از محل فروش گاز هائیکه سالها بدون بهره برداری باقی مانده بود و بهیچدر می رفت چرخهای صنعتی کشور ما در مسابقه تولیدات دنیای صنعتی بحرکت درآید و در آینده منبع مهم درآمد ها جایگزین درآمدهای نفتی قرار گیرد.

بخاطر بیاوریم سالهائی را که بمنظور اجرای سیاستهای

خاص روش بستن جاههای نفت بعنوان آخرین تصمیم مورد استفاده قرار گرفت و در عین حال بزرگترین تلاش بروش نفت که فقط یک گشتی بازده هزار تنی ابتدائی نبوده مصادره شرکت نفت انگلیس و ایران گرفتار نمودنی ملاحظه میفرمائید امروز ناروان کشتی های نفتکش متعلق به ایران با ظرفیت قابل ملاحظه ای در همه ایهای بین المللی جهان به فعالیت پرداخته و هر روز دامنه وسعت امکانات حمل مواد نفتی وسیله تر کشتی های ایرانی افزوده می شود. بخاطر بیاوریم در پیرو اراده رهبر مملکت گذشته از حقی آرزوهای دیرینه ملت ایران دایره اعمال حاکمیت تمام و تمام وقایع بیرونهای ملی خود و اداره کامل تأسیسات شرکت ملی نفت دست مهندسین و کارگران لایق ایرانی و اتخاذ تصمیم درباره نحوه استفاده از ذخائر زیر زمینی توسعه فعالیت شرکت ملی

نفت ایران و تجربه و تبحر متخصص ایرانی در دایره نمودن بیجیده ترین دستگاههای صنعت نفت موجب گردیده است که چند پالایشگاه بزرگ مواد نفتی خارج از کشور و با مسارت در سرمایه گری و تحت سرپرستی فنی مهندسان ایرانی فعالیت پرداخته است که در حقیقت این موفقیت یکی از بزرگترین افتخارات ملی ما محسوب میشود.

بخاطر بیاوریم که ملت ما در گذشته های نه چندان دور از صنعت و تولیدات صنعتی آنچه خاصه یعنی داشت و از ابتدائی ترین سرمایه در این رشته محروم بود و آنچه موفقیت در راه صنعتی شدن مملکت به دست و روختن شاهد داشت که مسئول وقت حکومت با ادای جمله ای عامیانه اعلام نمود ایرانی قادر به ساختن لوله تنگ هم نیست چگونه میتواند تأسیسات عظیم نفت را اداره نماید. و اینک ملاحظه میفرمائید گذشته از اداره تأسیسات نفت دست مهندسین و کارگران لایق ایرانی تأسیسات عظیم دیگر مملکت ما مانند صنایع معظم پتروشیمی صنایع معظم ذوب آهن و فولاد - صنایع اتومبیل سازی - تراکتور سازی - ماشین سازی - و عوارض کارخانه تولیدی و صنعتی در دوران انقلاب شکل گرفته و فرآورده های آنان که محصول زحمات و تلاش شبانه روزی عاشقان صنعت مملکت است بداخل و خارج از کشور عرضه میشود و هر روز در راه رسیدن به اهداف ملی و نفوذ مؤثر در بازارهای جهانی به کوششهای مداوم خود ادامه میدهند. ناچاراً بخاطر یادآوری عرض کنم در آن روزگار آن سیاه که درآمد و ثروت ملی مایه جیبش کشتن سابق ملی نفت ایران و انگلیس میرفت اهانت به ملت ایران بجائی رسیده بود که مسئولان

کشاورزی : ماباید از دیدگاه یک اقتصاد سالم مملکت مورد توجه باشد. زیرا اگر مادرآمدهای دیگر خودمان را بمصرف واردات فرآورده‌های دائمی کشاورزی برسانیم در هیچک از برنامه‌های رشد و توسعه موفق نخواهیم شد.

درست است که ما آرزوی صنعتی شدن مملکتان را داریم ولی یکی از اهم گرفتاریها جذب کارگران روستائی و تخلیه روستاهایش از حد لزوم است که مآلاً موجب ازتین رفتن مزارع و باغات که منبع تولیدات کشاورزی مملکت است خواهد گردید مگر در مکررگرفته شده کشور ایران از لحاظ کشاورزی وضع مساعدی ندارد. از لحاظ بارندگی و ذخایر آب در مضمین هستیم جمعیت کشور در سال ۱۳۱۰ در حدود شانزده میلیون بوده و امروزه ۳ میلیون است وزارت کشاورزی برای تأمین مواد غذایی این جمعیت که تا چند سال دیگر بمرز پنجاه میلیون خواهند رسید وظیفه بسیار سنگینی بعهدہ دارد باید کشاورزی ما از امکانات خاکی و آب حداکثر بهره برداری را بنماید. ما نمیتوانیم کشاورزی سنتی را رها کنیم برای اینکه زمین‌های قابل ملاحظه برای کشاورزیهای بزرگ نداریم - بنابراین نباید زمین‌های پراکنده و قابل کشتی که فعلاً وجود دارد وعده‌ای را تغذیه میکند از دست بدهیم بلکه باید برای این قبیل روستاهای پراکنده نیز امکانات رفاهی در نظر بگیریم که باقیمانده سکنه افزایش زندگی به شهرها هجوم نبرند. مسئله مهم اینست که در گذشته و قبل از انقلاب که کشاورزی بصورت رعیت و درحال استثمار بسر میبرد در عین حال با همان زندگی محدود و نان بخور و نمیر عادت کرده بود و ادعائی نداشت ولی امروز گسترش ارتباطات و آمد و رفتی که به شهرها میشود روستائی نمیتواند خود را به نان خانی قانع کند و لاقلاً قسمتی از ضروری ترین وسیله زندگی را که پیش پا افتاده ترین آنها (آب آشامیدنی - تغذیه - بهداشت و درمان - آموزش و پرورش - وسائل ارتباطی و حمل و نقل را) طلب میکند و انجام آنرا انتظار دارد.

متأسفانه در خلال ۱۶ سال گذشته چندین برابر کارهاییکه انجام شده گزارش خلاف حقیقت داده شده (صحیح است). درست است که اجرای قانون اصلاحات ارضی کشاورزان را صاحب آب و زمین و برخوردار از ثمره و دسترنج خودشان نموده است. درست است که روابط خاص بزرگ مالکان به اعتدال معقول خرده مالکان گرایده است. درست است که در زندگی کشاورزان به نسبت هائی گشایش پدیدار گردیده ولی این گشایش و تغییر آن چیزی نیست

که مورد انتظار رهبر مملکت و ملت ایران بوده باشد (صحیح است). زیرا بحقیقت دستگاه پادشاهیهای مسئولی که وظیفه دار تأمین احتیاجات روستائی و عمل کننده در عمران روستاهای مملکت بوده اند در انجام وظایفشان توفیق مورد قبولی را ارائه نداده اند.

و بدین لحاظ بود که روستائی آزاد شده که غیر از زمین احتیاج به پشتوانه‌های دیگری نیز داشت برای دستیابی به زندگی بهتر و برخوردار از رفاهی که به نظر آنها در زندگی شهری بچشم میخورد به دودسته تقسیم شدند دسته اول نیروی جوان و فعال خانواده روستائی است که بسوی شهرها سرازیر شده و در غوغای کسب درآمد بیشتر اصولاً کارگر شهری شده اند و دسته دوم کشاورزان سن و زن و بیجه و عائله آنها بود که بخاطر نگاهداری و حفظ زمین و آبی که نصیبشان شده بود در روستا ماندند و این توضیح که نه قادر به بهره گیری از زمین بودند و نه قدرت پرداخت حقوق کارگر کمکی داشتند بدین جهت باقیمانده نفرت خانواده نیز در اولین فرصت و پیدا شدن کارموجبات انتقال به شهرها فراهم کردند و بدین ترتیب است که در بعضی نقاط از یک روستای یکصد خانواری حتی یک خانواری برای نمونه بجای مانده و روستای مزبور جعد نشین شده است اینست اشتباه محاسبه در رویدادهای کشاورزی و تولید، زیرا اگر مهاجرت روستائیان به شهرها طبق ضابطه‌ای صورت میگرفت و خلاء ناشی از مهاجرت‌ها بوسائل مختلف پر میشد شاید آن پیش بینی هادرت از کار درمی آمد ولی مشکل اینست که اگر تعادل اختلاط جمعیت شهری و روستائی یا برنامه ریزی صحیح و متناسب با پیشرفت در همه زمینه‌ها یعنی هم آهنکی پیشرفت و توسعه صنعت و کشاورزی - هم آهنکی تولید و مصرف - هم آهنکی درآمد کارگر شهری و روستائی - هم آهنکی رشد و توسعه بدون ایجاد تورم زیاد انجام میگرفت امروز با کمبود تولیدات مواد غذایی و مصرفی و عدم تعادل چشمگیر در عرضه و تقاضا و بی‌آمدهای مضر دیگر آن دچار نبودیم - به نحویکه با وجود ازدیاد درآمد سرانه و بالا رفتن میزان دستمزدها و حقوق بگیران بخشهای دولتی و خصوصی غرولندها و ابراز عدم رضایتها بگونه‌های مختلف شکل پذیر باشد متأسفانه دستگاههای اجرائی دولت و دیگر سازمانهای جنبی و وابسته به نسبت اهمیت و تماسی که با طبقات مختلف مردم دارند بعنوان مختلف در تشدید این

نوع محصول - به اصلاح بذر و مبارزه با آفات - به ایجاد قطبهای کمک بدآمد کشاورزان در جوار مناطق کشاورزی - به کود و بذر و آب - به آشنائی برای جلوگیری از ضایعات و در کنار همه این امکانات به راه ارتباطی روستائی نیاز دارد و بدلیل عدم وجود این امکانات است که هر کشاورز امریکائی برای ۶۴ نفر غذا تهیه میکند کشاورز سوئدی برای ۴۲ نفر کشاورز آلمانی برای ۲۸ نفر و کشاورز ایرانی فقط برای سه نفر که اگر این آمار که از نشریات معتبر دنیا استخراج شده صحیح باشد ملاحظه میفرمائید که فاصله تولید ما با دیگر ممالک موفق در امر کشاورزی بیجه نسبتی است در حالیکه از همین تولید کم بموجب آمار بانک توسعه کشاورزی تولید پاره‌ای از محصولات اساسی کشاورزی شرح زیر در خلال سال ۱۳۰۶ کاهش داشته است.

گندم ۵۲۷ هزار تن، جو ۲۷۰ هزار تن، برنج ۱۰۴ هزار تن، چغندر قند یک میلیون و یکصد و سی هزار تن، دانه‌های روغنی ۲۶ هزار تن، حبوبات ۴۲ هزار تن، پسته ۱۶ هزار تن.

در مورد خرید محصولات کشاورزی بخصوص گندم و جو ضمن اینکه افزایش بهاء گندم در همین حد هم تشکر دارد باید اضافه کنم که بعلت عدم وجود راههای روستائی هزینه حمل که میبایست با زحمت و از کوره راهها انجام پذیرد خیلی سنگین است از طرفی قرار است شرکتهای تعاونی روستائی محصول کشاورزان را خریداری نمایند و عتواناً اینست که دستور داده شده محصول درخانه کشاورز خریداری شود ولی حقیقت غیر از اینست زیر بعلت محدودیتهای زیادی که در گسترش شرکتهای تعاونی بوجود آورده اند و شاید یکی از علل مهم عدم رضایت روستائیان بمزایده گذاردن این شرکتهاست تا جائیکه حتی ستم مدیرعامل شرکت تعاونی نیز سرفلی های چشمگیر پیدا کرده است و شاید مصلحت مادی اینطور اقتضاء داشته باشد که حتی الامکان بازار این شرکتهای بعلت محدودیتهای گسترش تعداد آنها کماکان گرم و شیرین باشد اغلب برای هریست روستا آنهم در فاصله های متفاوت یک شرکت تعاونی در نظر گرفته شده که بنده نمیدانم غیر از مرکز شرکت تکلیف سایر روستاها چه میشود و این چه مضیفه‌ایست که میبایست در طول سالهای متعادی به کشاورزان دیگر روستاها تحمیل شود و فقط عده‌ای که بهتر راه و رسم را میدانند از این مزایا استفاده کنند. ایراد بنده اینست، در حالیکه خود روستائیان برای تشکیل این شرکتهای سرمایه گذاری

زمینه‌های نامساعد نقش عمده دارا هستند که برای هر مورد و هر منطقه تجزیه و تحلیل جداگانه‌ای ضرورت دارد. از جمله این عدم رضایتها حیف و میل اعتبارات عمران روستائی و عدم دلسوزی در مصرف آنها و نداشتن وقت در نتیجه گیری و بازده اعتبارات که از عوارض عدم توفیق در اجرای انقلاب اداری میباشد، مانع اجرای صحیح برنامه‌های عمران روستائی گردیده. به نحویکه مصرف میلیونها تومان اعتبارات خاص ناحیه‌ای و آرزوی بازده قابل ملاحظه‌ای که بتواند موجبات رضایت و آسایش نسبی روستائیان را فراهم نموده باشد نبوده است و اغلب این اعتبارات روی عدم دلسوزی توأم با سوء استفاده مسئولان و پیمانکاران، بهدر رفتن سرمایه مملکت و ایجاد عقده و عدم رضایت منتهی گردیده است. زیرا اگر قطعه کوچکی راه روستائی ساخته شده در همان سال اول از زمین رفته اگر

حماسی ساخته شده از همان اوان فعالیت بعلت نقص فنی یا نداشتن آب بصورت مخروبه باقیمانده اگر لوله کشتی آب آشامیدنی انجام شده فقط مقداری لوله و منبع خالی آب در منظر دید مردم خود نمائی میکند که خود این مناظر واقعیتهای گوناگونی از فساد دستگاههای اجرائی محسوب میشود و از این رهگذر است که معدودی به نوا رسیده ولی اکثریتی را مایوس و بدبین نموده اند که من امیدوارم در این موقعیت که یکی از بصیرترین شخصیتهای کشاورزی مملکت که بدیریت و علاقمندی و طرز تفکرشان در مقام استانداری لرستان و قوف کامل دارم توفیق پیدا نماید دستگاه وزارت کشاورزی و تعاون و عمران روستائی را به حرکتی که لازمه این دوران حساس است وارد نمایند - وزارت کشاورزی باید از کاخ رفیعی که جلوه‌ای عالی دارد بمیان مزارع و مراتع مخلف کشور انتقال یابد و با منطقه‌ای کردن کشاورزی و توجه بموقعیت جغرافیائی و اقلیمی هر گوشه مملکت که شرایط کاملاً متفاوتی بایکدیگر دارند به طرحهای عملی افزایش تولید و عمران روستاها دست بزند مهندسان و متخصصان کشاورزی باید بعوض پشت میز نشینی به تشریک مساعی عملی و راهنمایی روستائیان بپردازند تا از تلاشهای دستجمعی، زمینه مورد نظر حاصل آید.

اگر تصور اینست که با چند سپاهی ترویج و مروج کشاورزی این حرکتی لاک پشتی بجائی میرسد، زهی اشتباه زیرا کشاورزی هر نقطه از مملکت به برنامه ریزیهای اختصاصی - به نیروی فنی - بمشین آلات - بکاربرد صحیح همان ماشین آلات - به شناسائی خاک برای تعیین

میکنند بفرض اینکه دولت هم در سرمایه‌گذاری آنها سهمی داشته باشد و با بلحاظ راهنماییهای لازم سازمانهایی در سطح مملکت بکار آنها رسیدگی مینماید چه اشکالی وجود دارد که بعوض هر ۲۰ روستا یک شرکت تعاونی فاصله و امکانات فصلی مراجعان روستاهای دیگر را در نظر بگیرند و برای هر ده روستا حداقل یک شرکت تعاونی تشکیل بدهند که موجبات رفاه نسبی همه روستائیان فراهم شود بخصوص که این محدودیت شدید اختلاف ریشه‌دار و عمیق محلی را نیز بوجود آورده است. و وجود همان اختلافات ریشه‌دار پایه بهره‌برداری و سوء استفاده قرار میگیرد علی‌الخصوص که کارهای جنبی پرسرو صدا، نیز باین شرکتها سپرده شده مانند تقسیم سهمیه تریاک و یا رسیدگی بوضع مشمولان وظیفه - حال باید گفت اگر این شرکتها خوب هستند چرا تا این اندازه در گسترش آنها محدودیت نامعقول بخرج داده میشود و چگونه است هر کارمردمی پس از چندی بدست اندازهای عجیب و غریب می‌افتد و بعوض بهره‌گیری از این زمینه‌های مساعد موجبات گرفتاری و عدم رضایت برای مردم فراهم میشود بنده پیش از این مطلب را باز نمی‌کنم خود وزارتخانه به نحوه‌ی مدیریت درجه اول این سازمان بی‌پرد و تغییراتی در کادر بالای آن بوجود آمد. ولی این تغییرات باید اساس تقویت شرکتهای تعاونی موجود و گسترش ضروری و حتمی شرکتهای جدید را فراهم نماید بطوریکه گفته شد این کارمردمی و مفید را از انحصار طبیبی و مزایه و بهره‌برداریهایی نامشروع نجات دهید (صحیح است)

در باره گرانای روزافزون ضرورت دارد بعرض برسانم طبق آمار بانک مرکزی شاخص بهاء کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران علیرغم کاهش نرخ تورم که ادعا شده است به $\frac{7}{9}$ درصد رسیده هر یکساله اخیر بشرح زیر افزایش داشته است.

افزایش میوه ۴۰ درصد خوراک ۱۹ درصد نان $\frac{11}{8}$ درصد حبوبات $\frac{52}{1}$ درصد

لبنیات و تخم مرغ $\frac{10}{3}$ درصد گوشت مرغ و ماهی $\frac{7}{6}$ درصد میوه و سبزیها $\frac{4}{7}$ درصد روغن نباتی و حیوانی $\frac{4}{6}$ درصد

دخانیات $\frac{8}{1}$ درصد پوشاک ۱۳ درصد کرایه خانه ۲۲ درصد خدمات ساختمانی $\frac{2}{7}$ درصد

حمل و نقل $\frac{10}{7}$ درصد درمان و بهداشت $\frac{20}{}$ درصد تحصیل و مطالعه $\frac{10}{4}$ درصد خدمات متفرقه $\frac{17}{3}$ درصد که باید گفت اینها همه از معجزات آتاقهای اصناف است که با دخالتهای بی‌منطق و وصول جرائم

آزار دهنده و ایجاد رعب و وحشت بین کسبه سرچشمه بروز نابسامانیهای عرصه و تقاضا و بالتجربه افزایش هزینه‌ها بوده است (صحیح است)

در مورد فساد و دستگاہهای اداری کافی است گفته شود کمتر کاری بدون تشبث بوسائل مادی یا پارتی یا رقیب بازی انجام میشود.

سازمان امور اداری و استخدامی کشور با مقررات گنج‌کننده و درهم بدون توجه به مشکلات زندگی کارمندان دولت سالها است هزاران نفر را در تعیین سرنوشت خود معلق نگاه داشته و هنوز هم نتوانسته است مبنای حقوقی عادلانه‌ای به نسبت حداقل زندگی برای کارمندان دولت و شهرداریها فراهم نماید که خود این مطلب مهم بهترین وسیله و مستسک برای انواع تخلفات از طرق مختلف و محرك انجام سوء استفاده و کسب درآمدهای نامشروع است (صحیح است) باین تفاوت که فقط افراد متدین و متقی کف نفس میکنند و هزاران مشکل زندگی را بر خود هموار مینمایند ولی در مقابل آنها نیکه پای بند تقوی و معنویت زندگی نبوده‌اند بصورت مسابقه جمع مال و وسائل و تجمل پرستی بهره‌کاران در دست و نامشروع دست‌بازند تعدی و اجحاف به طبقه کارمندان باز نشده و واقعا چشمگیر است.

زیرا در حالیکه از کارمندان شاغل به نسبت فوق‌العاده شغل و اغلب مزایا کسور بازنشستگی کسر میشود در هنگام بازنشستگی یکباره حقوق و مزایای دریافتی آنان به یکسوم تقلیل پیدا میکند و بطور مثال دریافتی یکصد هزار ریالی یک کارمند عالی‌رتبه به سی یا چهل هزار ریالی تنزل پیدا میکند و معلوم نیست منطق اینکار چیست و بقیه هزینه زندگی خانواده‌ای که هزینه زندگی‌اش با یکصد هزار ریالی دریافتی گذشته و درآمد دیگری ندارد در بازنشستگی چه خواهد شد. آیا این رویه عملا صدور جواز سوء استفاده برای همه کارمندان شاغل نیست که لامحالہ بفکر آینده زن و بچه و تأمین زندگی در دوران بازنشستگی خود باشد؟

مردم میگویند ثروت‌های کلانی که در یکساعت کوتاه نزد افراد خاص چه اداری و چه بخش خصوصی جمع شده چگونه بدون سؤال و جواب میماند - چرا حداقل حقوق قانونی دولت از این قبیل افراد وصول نمیشود مگر در ممالک دیگر تا ۸۰ الی ۹۰ درصد مالیات تصاعدی از ثروتها و درآمدهای هنگفت وصول نمیکردند.

موضوع حق بیمه‌های سرسام‌آوریکه به سی درصد رسیدیم در قبال خدمات بی‌ارزش درمانی از موارد دیگر

نارضانی‌ها است که با ایجاد گرفتاریهای زیاد برای مردم و اجرای مقرراتی یکطرفه و بدون دفاع مردم راستوه آورده است (صحیح است)

دولت باید توجه داشته باشد چند رقم مالیات و عوارض مستقیم و غیر مستقیم از مردم وصول میکند و تحمل طبقات در برابر این قبیل پرداختها چه اندازه است و چطور ناخود آگاه بالا رفتن هزینه زندگی و گرانی سرسام‌آور روزمره را خود پایه‌گذاری مینماید.

زیرا در شرایط فعلی و ارتباط اجتماعات شهری و روستائی و توجه باینکه هرگونه گرفتاری و مسائل مبتلابه مردم اول در خانواده مطرح و مورد انتقاد قرار میگیرد و در درجه اول دانش‌آموزان و دانشجویان هر خانواده تحت تأثیرات منفی عدم رضایتها واقع میشوند و مینینند در جوامع شهری نیز عده‌ای زودبندگی با همدستانی که در هر محل پیدا میکنند در مدت چند سال به ثروت‌های کلان و باد آورده‌ای دست می‌یابند و پارسنگین پرداخت عوارض و مالیات بعهدہ اکثریت زحمت‌کش و سربراه جامعه سپرده شده است میدان وسیع و تأثیر پذیر افکار جوانان و نوجوانان و دانش‌آموزان و دانشجویان بهترین موضع حملات تبلیغاتی علیه مصالح ملک و ملت قرار میگیرد و در این میان سیاستهای مخرب مجال تجلی و خود نمائی پیدا میکند چون طبقه جوان با گذشته‌های دزدانک مملکت مرتبط نبوده است و جریانات عینی را شاهد مثال می‌آورد گفته‌های دشمنان ایران در مغز و روح آنان اثر منفی میگذارد و کم‌کم آمادگی ابراز عکس‌العمل را از خود بروز میدهد تا اثر وجودی خود را به نمایش بگذارد - با توجه باین دلایل است که سیاستهای استعماری و باج‌گیران بین‌المللی در صدد پیدا کردن نقاط ضعف دولتها و تحریک آن نقاط ضعف برای بهره‌برداریهایی گوناگون برمی‌آیند در اینجا از جناب نخست‌وزیر تقاضا دارم بررسی فرمایند کمیته‌ای مرکب از افراد بصیر و مطلع بمسائل دینی در نخست وزیری تشکیل و این کمیته رابط دائمی با مقامات عالیقدر روحانی مملکت داشته باشد که از نظرات مقابل در راه تنویر افکار و بسط و گسترش مبانی دین و شعائر اسلامی بهره‌گیری مطلوب بعمل آید (احسن است).

جناب آقای نخست‌وزیر دو اشتباه بزرگ اباحت گرفتاریهای امروز ایران است یکی گزارشات دروغی که برای جلوه دادن موقیتهای خدمتی بعرض شاهنشاه رسید و نگذاشتند مواد $\frac{1}{9}$ گانه صحیحاً انجام شود و یکی اشتباهاتی که در مورد روابط با روحانیت بوجود آورده‌اند (صحیح است).

جناب نخست‌وزیر گمان من اینست نقشی که شما در

این برهه از زمان دانید یک نقش تاریخی است و منتهم باین امید که شما به تمام تمینات دلتان در زندگی رسیده‌اید و هوس‌نارید به عنوان موافق مشروط بشمارای میدهم چون شما از زندگی چیزی کم نداشتید و نزدیکترین فرد به شاهنشاه هم هستید صریح بگویم این فرصت طلائی را از دست ندهید - خیلی فشرده - خیلی قاطع - دقایق را هم بحساب بیاورید این مریض بدحال را با یک جراحی عمیق از خطر نابودی نجات بدهید و صدقات و خدمتگزاری خودتان را به شاهنشاه و ملت ایران ثابت کنید اگر اینکار را نکنید تاریخ درباره جناب عالی قضاوت دیگری خواهد کرد مسئله روحانیت را بهر طریق امکان دارد حل کنید - روحانیت از ارکان قدیم حفظ استقلال مملکت و رژیم سلطنتی است این پایه قدیم و محکم را نوربانه‌ی استعمار که بصورت‌های بهائی‌گری - ناراضی تراشی بی‌اعتنائی مبانی دین و شعائر مذهبی است - دست و درحال ویرانی قرار داده - بکشید به ترمیم آن اقدام کنید جناب عالی مانند نخست‌وزیر سابق فرصتها را از دست ندهید - آموزگار آدم با تقوائی بود ولی نخست‌وزیر خوبی نبود (یک نفر از نمایندگان - حالا میگویند ۱۹) این بدبختیهای دوران حکومت‌های گذشته را جبران کنید (احسن است).

رئیس - آقای ظفری بفرمائید.

ظفری - همکاران گرامی امروز در لحظه‌ای پشت

تریبون ترار میگیرم که بسیاری از شما چه بعنوان موافق

و چه بعنوان مخالف در برنامه دولت صحبت کردید. از

آنجا که خوش ندارم تکرار مطلب کنم سعی میکنم

بعنوان یکی از سخنرانانی که جزو آخرین سخنرانان

این برنامه خواهد بود مطالب را جمع‌بندی کنم و

بکوشم تا علت مخالفت خود و دوستان خود را در اینجا

برابر شما، در پیشگاه ملت ایران روشن کرده باشم.

دوستان من و من بخاطر استفاده از تریبون و نمایش خودمان

باینجا نیامده‌ایم. برای این سخن نمیگوئیم و این نخستین

باری نیست که از این تریبون استفاده میکنیم و مطالب

خودمان را بیان میکنیم ولی همچنانکه از جایگاه خودمان

فریاد کشیدیم و آن چه میگفتیم در دخمه باصطلاح

مجلس شورای ملی مدنون میشد (یکی از نمایندگان -

باصطلاح چیست؟) و جامعه ایران از آن خبری نداشت

(همهمه نمایندگان) برای اینکه آنچه را که میبایست

در اینجا جنبه شور بخودش بگیرد و نظرات نمایندگان مردم

شنیده‌شود درخواستهای مردم که از پشت این تریبون عنوان

میشد مورد توجه قرار بگیرد شده بود ما باین دشواریها رو بپرو

نبودیم (صحیح است).

سلیمانی سواد کوهی - گفتیم و نشیندند.

ظفری - فرمودید و شنیدند، فرمودید و نگذاشتند جامعه ایران بشود و این ارتباط بین مردم ایران و نمایندگان ایران برقرار شود تا حداقل این نقطه اتکاء برای جامعه ایرانی باقی بماند.

رفعتی - دولت شریف امامی الان مشغول است این نازها را میکند، آنچه را که خواستید میکند، مهدوی و روحانی را گرفتند بشما مژده میدهم.

ظفری - گرچه گفتن دونفر متهم دردی را دوا نمیکند با اینوصف منم خوشحال هستم از اینکه دو غارتگر را در این جامعه گرفتند ولی من در اینجا میخواهم موضع خودم و دوستانم را روشن کنم. در این زمینه از کلام خدایاری میگوئیم. یا ایها الناس ان انا خلقناکم من ذکر و انشی وجعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم. مردم همه از زن و مرد یکسان آفریده شده اند، دریابید.

مانیز در برابر قانون اساسی صاحب حقوق متساوی هستیم این انسانها گروه گروه در اجتماعاتی گرد هم آمدند و ما آنها را در جامعه خودمان ملت ایران می نامیم. در گذران روزگار اگر این دو مسئله را برای خودمان روشن کنیم فکر میکنم موضع هر یک از ما دقیقاً روشن شده باشد. نخستین وظیفه هر کس این است که بدانند در کجاست و جهانی که در آن زندگی می کند چه چیزی دارد و آن وقت می تواند وظایف خود را در قبال جامعه خودش در قبال انسانیت و در پیشگاه خداوند اجرا کرده باشد. ما وابسته بیک ملت هستیم روزگاری دراز بر این ملت گذشته، حوادث بسیار دیده نشیب ها و فرازها را از پشت سر گذرانده و در این لحظه از زمان بدین جایگاه از تاریخ رسیده بعنوان یک فرد با همه افراد دیگر باید مساوی باشد می بایست حقوق دیگران را رعایت کنیم می بایست حقوق این ملت هم از طرف دیگران رعایت شود و بهر حال در این زمینه می بایست بعنوان عنصری برضد بهره کشی و استعمار مبارزه کند، شعوباً و قبائل. در دامن مات خودش هر فردی از انسانها زندگی آزاد و سرفراز خودش راداشته باشد. پس در این مقیاس او با استعمار جهانی درگیر میشود. اینست که با شناخت موقعیت یک انسان آنچنان که در کلام خداوندی آمده است مبارزه با استعمار در سطح جهانی و مبارزه با استعمار در اجتماع داخلی میبایست سرلوحه شناخت و مبارزات هر فردی باشد (احسنه آفرین) و با این مقدمه و با این شناخت است که ما طی سالهای دراز که جامعه ایران و

تاریخ ایران میدان و طی سه سالی که از عمر دوره ۲ میگذرد همه شما زنان و مردان شرافتمندی که در این مجلس گرد آمده اید شاهد مبارزات ما بودید و ملاحظه فرمودید که در راسر افزای این ملت گام برمیداشتیم آیا لحظه ای بود که بخود بلرزیم و بخاطر پاسداری از مسند خود از گفتن حقایق زبان فرو بندیم؟ آیا جادارد که امروز بگوئید که مخالف خوانی مد شده و جمعی برای جلب نظر بعنوان مخالف پشت تریبون قرار میگیرند؟ آیا برآستی شرافت شما میپذیرد که ما چنین بوده ایم؟ بسیار خوب، اینک که گذشته را قدری مرور کردیم لازم است ببینیم که آیا برداشت ما از مسائل مبنی بر چنین واقعیت هائی که بعرضتان رساندم بوده یانه؟ در این دوره ما بدنبال شناخت آن اصولی که عرض کردم بدلیل شناخت موقعیت ویژه خود در زیر این بلند آسمان هرجا لازم بود سخن گفتیم و هرگز به دل هراس نداشتیم و اصولاً وظیفه هراسان شرافتمندی جز این نمیتواند باشد وقتی ما سخن از انسان میگوئیم در اینجا میبایستی این انسان را برآستی بشناسیم. در همان جایگاهی که توضیح دادم. اگر انسان را در موضع شایسته خودش شناختیم بسیاری از آن حوادث پیش نیامد. اگر انسان را دقیقاً در موضع خودش شناختیم حقوق متساوی برای او با همه افراد دیگر قائل میشویم و دیگر کسی بفکر بهره کشی از او نمی افتد. ولی شما ببینید امروز ما در چه شرایطی قرار داریم. ما نمیتوانیم خودمان را در یک کنگره تاریخ قرار دهیم. مادر یک برهه خاص از تاریخ ملت خودمان زندگی میکنیم حوادث بسیار تلخ و دردناکی بر جامعه ما گذشت و میگردد. مادر چنین شرایطی میبایستی مسائل را دریابیم. میبایستی ریشه های آن را شناسائی کنیم تا بتوانیم با آن بجنگیم. ما نمیبایستی یک لحظه آخرا مثل یک عکاس عکسبرداری کنیم و قضاوتمان فقط در مورد یک عکس باشد. ما انسانیم و اگر زنده بودیم و شاهد حوادث بودیم فیلمی از حوادث برابر دیدگان ما باید رژه برود. اما بعنوان یک انسان بیدار و زنده، کسی که شاهد همه این حوادث بود اگر این فیلم را نگاه می کردیم و از مدنظر می گذرانیم آنوقت قضاوت درست می کردیم در حالیکه من می بینم بسیاری از برداشتها به گونه ای است که گویا حوادثی در آن لحظه آخر از هیچ و بوج اتفاق افتاده و ما برای مبارزه با آن یک لحظه می بایستی اقداماتی انجام دهیم در حالیکه چنین نیست شما کودکی را که از گرسنگی فریاد بکشد می توانید

دستمال به دهانش بیندید که فریادش در نیاید، ولی کار درستی نکردید. او گرسنه است و باید سیرش کنید چون سالم است و گرسنه است فریاد می زند و الا از کجای فهمید که او گرسنه است؟ جامعه ما زنده است، جامعه ما بیدار است، جامعه ما هوشیار است، تحمل مصائب دردناک بسیاری را هم داشته و تحمل هم کرده است. ما با چنین جامعه ای بواقع بعنوان یک انسان زنده، بعنوان یک انسان ناظر و بیدار برخورد می کنیم و اینجا گرد آمده ایم که امروز این مسأله را شناسائی کنیم و راه حل این مسائل را پیدا کنیم. راه حل این مسائل اگر گرفتار فقط دو غارتگر است، بسیار خوب کارها تمام است و ما هم نگرانی نداریم و دولت هم که خواه ناخواه رأیش را خواهد گرفت، اما اگر چنین نیست من هم بشما گروه موافق و مخالف می پیوندم که اینجا چه بسیار موافق، که مخالف تراز مخالف صحبت کردند و اینجا یک نعمت بود و آن تلویزیون بود که ملت ایران را به قضاوت نشانده است. و من بسیار خوشحالم و به این کنترل سیستماتیک و طبیعی درود میفرستم هر یک از ما باید در اینجا آن چیزی را بیان کنیم که بواقع وظیفه ما است و بواقع تاریخ ما و جامعه ما از ما طلب می کند. اینجا جایگاه نمایش نیست. پس با ذکر این مقدمات روشن میشود ما جز آن رفتاری که می کنیم، وجداناً کار دیگری نمی توانیم بکنیم جز بیان مسائلی که جامعه ما با آن روبرو است، جز شناخت دقیق مسائل و ریشه نارضایتی ها و عوامل و عللی که جامعه ما را در آستانه پرتگاه قرار می دهد، کار دیگری نمی توانیم بکنیم. می بایستی اینجا را دقیقاً از هم بشناسیم می بایستی بیماری را شناسائی کنیم آنوقت ببینیم مرد میدان این درمان کیست؟ من معتقد نیستم که کسانی چیزهائی را نمی دانند و باید به آنها یاد آور شد. در بودجه دولت گذشته که صحبت کردم در پشت همین تریبون این موضع را کاملاً روشن کردم. من گفتم ایمان برای انجام یک کار لازم است و به همین دلیل توضیحات من در ابتدای سخنم در زمینه این شناخت و این پیش بود. پس کسی می تواند با انجام مهمی اقدام کند که به آن کار اعتقاد و ایمان داشته باشد و نه اینکه ما به او بخواهیم درس بدهیم باید از درونش بجوشد، نباید چیزی بر او عارض شود زنگی خودش سیاه است ولی حاجی فیروز زنگ روی خودش راسیاه می کند. مردم من و معتقد وطن پرست رامن نباید درس بدهم. این درس را از وجود خودش می گیرد و این در اجتماع ما است که استخوانداری نمی خواهیم پیدا کنیم

در حالیکه مؤمن و با اعتقاد می خواهیم. باز بان قدرت صحبت می کنیم در حالیکه مؤمن می خواهیم. قدرت برای این ملت است نه برای سر کوبی این ملت (آفرین) و درود به آنها که بدون قدرت و با دست خالی ولی با ایمانی چون کوه استوار مقابل نارواینها مبارزه کردند و جان خود را از دست دادند. ولاتحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون. پس در این زمینه اگر دردی است، اگر شناسائی دردی است باید در دانشی هم باشد، باید کسی هم باشد که در طول این مدت نگران و ناراحت و دلگیر از آن چیزی باشد که در این مملکت پیش آمده است. آیا میشود سالها با یک چنین موج فساد همراهی کرد؟ سالها همدوش دیگر فاسدان بفارتگری پرداخت و آنوقت منتظر باشید که من در پشت تریبون راه حل ارائه بدهم و همان آدمها بیایند مسائل را حل کنند من باور ندارم و تاریخ نشانی از چنین حوادثی بمن نداده است خوشوقت میشوم که گروهی از موافقان یا مخالفان که امید است پس از من از این تریبون استفاده کنند بیایند و مرا روشن کنند که آیا میشود از کسانی که اعتقاد و ایمان به مسئله ای ندارند توقع داشته باشیم آنرا از میان بردارند آیا جامعه ایران این را از ما خواهد پذیرفت آیا خودش باوری ما نخواهد خندید من آنچه عرض کردم مسائل آرمانی بود بینش مشخصی بود امروز هم وام نگرفته بودم از آن وقتی که خودم را می شناسم همیشه در این اندیشه بودم که باید باین مات اندیشید و بمسائل این ملت احترام گذاشت و ما افراد فانی آماده فدا کاری باید باشیم و هستند کسانی که سالهای دراز عمر خدمتشان را در راه دفاع از این سرزمین صرف کردند و هستند کسانی که بکام نهنگ آسای حوادث رفتند برای اینکه از ملت خودشان و شان ملت خودشان دفاع کنند در لحظات حساس تاریخ باید از آنها سراغ گرفت در پهنه یک جامعه اقتصاد زده باید بدنبال چنین چهره هائی رفت و از آنها کمک طلب کرد که همیشه با تمام وجود خودشان آماده جان نثاری هستند و با همه وجودشان آماده ایثارند و هرگز با این ملت و سرنوشت این مات قهر نمی کنند و هر چه بر سینه شان میزنند با زنی ایستند و با مقاومت می کنند آنها هستند که مرد میدان هستند و من از ایشان و احترام به ایشان می گویم چیزی که دستگاه اداری ما فراموش کرد. و نه تنها انسان مطلق بلکه ایرانی و انسان هموطن و برادر را فراموش کرد و در این اجتماع ملی ما دو جامعه جداگانه بوجود آوردیم با مسائل مخصوص

بخودشان یکی کبابه‌هایش به بهترین سبک اروپائین شده بود و یکی آب‌خوردن که روستائی در خانه خودش نداشت یکی برای مداوای کمترین عارضه کسانتی از بهترین کلینیک‌های اروپا و آمریکا استفاده میکرد و آن دیگری در سخت‌ترین بیماری‌ها راه وجاده نبود که خود را به حکیم برساند اطرافش گرد می‌آمدند و به نردبان می‌بستند و بدوش می‌کشیدند من از این انسان سخن گفتم و از این ایرانی سخن گفتم و از دستگاهی سخن گفتم که چنین مدارجی را در مقابل مردم ایران قرار داد یکی مدارس ایران بدرود کودکش نمی‌خورد که او را با سبزه خارج می‌فرستد یا به مدارس آنجانی در این جا روانه میکند و عده‌ای از انبوه مردم حتی کلاس در دسترس فرزندانشان ندارند من از انسان سخن میگفتم و از انسان سخن میگفتم که در یک چنین نظام فتوالتی که در یک چنین نظام ضد ایرانی به چنین در دو بلای دجله شد و درود بر آنها که باز آنها بودند که این فرصت را برای من و شما فراهم کردند که شاهد دستگیری چند تن دزد و غارتگر باشیم و گرنه دستگاه اداری ما بخیال این چند نفر نمی‌افتاد و زور مجلس مادم باینکارها نرسید درود بر مردم ایران که با دست‌های خالی ولی با خون‌های جوشان با فریادهای بلند با خطر گرفتن حق خودشان قیام کردند بله ما از این انسان سخن می‌گوئیم و در جایگاه یک انسان ایرانی احساس شرمندگی میکنیم مادر قانون اساسی خودمان فکر میکنیم به اصل هشتم در متمم قانون اساسی که متساوی‌الحقوق بودن افراد جامعه ایرانی را ذکر کرده اصلا ما کجای قانون اساسی را رعایت کردیم که از اصل هشتم متمم آن سخن بگوئیم ولی مردم احساس دارند درک دارند مردم می‌فهمند من آنچه را که بر شمردم از میان این جامعه دو جامعه‌ای شما در برنامه ریزی‌های دولت‌های گذشته دنبال برگردید و به آن برسید خود من سه سال گذشته عضو کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی بودم همکاران ارجمند من عضو این کمیسیون و یا آنها که بعنوان ناظر در این کمیسیون شرکت میکردند شاهدند که من در این کمیسیون چه گفتم برنامه ریز این کشور باید آرزمان خواه باشد نه متخصص گفتم دره در مسلول‌های پیکرش باید در پدازه جایگاههای این سرزمین نفوذ کند و احساس وطن کند گفتم او نباید ساکن تهران باشد و از توی اتاق خودش برنامه بریزد باید طوری باشد متعلق به پهنه این سرزمین باید خودش را بجای یک روستائی دیگر بگذارد اگر فرزند وزیر آموزش و پرورش ما بجای این که

بمدرسه ایران زمین برود بمدرسه نزدیک خانه خودش برود آنوقت به آنجا خواهد رسید (صحیح است) از روستاها نمی‌گوئیم ولی در دو جامعه زندگی میکنند در جامعه خودشان نه در جامعه ایرانی و برای ایرانی (صحیح است) این است دردمنا که هر کس در این جامعه مسئله خودش را حل کرده و نپرداخته بعل مسئله جامعه ایران.

سلیمانی سواد کوهی - تحصیل در خارج مانع وطن پرستی نیست.

ظفری - مدارس داخلی را عرض میکنم مدرسه فلان و بهمان، در هر حال ما بعنوان یک ایرانی با یک پیشش ایرانی در زیر این بلند آسمان می‌توانیم برنامه بریزیم و گرنه چه فرق است بین یک برنامه ریز ایرانی این چنینی و یک متخصص و برنامه ریز خارجی، وقتی مسائل مردم را نشناسیم، وقتی که بنا باشد که فقط برنامه بریزیم که پول‌ها را خرج کنیم، همانطور که مسئول برنامه ریزی کشور در همان کمیسیون برنامه با حضور شما همکاران ارجمند در برابر سوالات متعدد من گرفتار شد و گفت ما خواستیم ثابت کنیم که می‌توانیم درآمدهای نفت را خرج کنیم، درآمدهایی که آقای معینی جاغروند بحق گفتند با چه خون و دل بدست مردم ایران رسید ما بجنگ امپریالیسم نرفتم و منابع فنا نپذیر خودمان را در اختیار دیگران قرار ندادیم که پولهای خود را این چنین خرج کنیم که موجب آشوب و بلوا بشود و موجب بخطر افتادن استقلال ایران باشد شما میدانید که این پولهای افزوده شده در این شرایط کنونی چقدر می‌توانست مؤثر باشد نه آنکه درآمد بسیار بضرر یک ملت باشد ابد چنین نیست برنامه ریزی‌های غلط یک ملت را باین فاجعه نزدیک می‌کند (آفرین) اینست که ما هنوز در آغاز بررسی‌های خودمان هستیم اینست که ما هنوز نسیم ملایمی که بتواند عرق را از پیشانی ما خشک کند نمی‌بینیم که بوزد، اینست که کسان بسیاری را ماه‌نوز در مظان اتهام و در برابر جامعه ملی ایران می‌بینیم و می‌شناسیم، فساد میکروب عجیبی است که شدت شیوع پیدا می‌کند بایستی یک گندزدایی بسیار عمیق و اساسی در دستگاههای اداری ایران بپردازیم مرد این میدان کسی باید باشد که خودش در مظان اتهام قرار نگرفته باشد بنظر من هیچ لزومی ندارد سرشناس باشد حداقل به بدی نشانندش اگر قرار است برنامه‌ای اجرا بشود می‌بایستی ملت ایران آنرا باور کند آخر من نمی‌پذیرم که مسئولان گذشته باین حقایق، باین ناروایی‌ها به این

فسادها به این غارتگری‌ها آشنا نبودند و ملت ایران هم این را نمی‌پذیرد. و فرد فرد افراد این جامعه بنحوی با این رشوه‌ها و دزدی‌ها و فساد و بنا بکاری‌ها آشنا شده اند چطور ممکن است مسئولان، بلندپایگان سازمانهای گوناگون اداری این کشور، باین حقایق تلخ و دردناک آشنا نشده باشند هرگاه مسئله‌ای را در این زمینه عنوان کردم بشخص خودم اینرا عرض می‌کنم با ذهن کجی دستگاههای مسئول روبرو بودیم اگر مردم شهرو دیار من یا دیگر نقاط این کشور گهگاه بمن رجوع کردند و مشکلات خودشان را با من در میان گذاشتند و تحقیق کردیم و درست بود و بدستگاههای مسئول گفتیم دیدیم که به تقویت آن اشخاص پرداختند (صحیح است) ژاندارسری برای این کشور چه باید بکند؟ ما در بیرون از دروازه شهرها کدام کارمند غارتگر وابسته بدستگاههای اجرائی را داریم؟ یکی که با آنجا میرود چون از بقیه خبری نیست ژاندارم است که باید نماینده و مظهر قانون باشد (احسن) ولی پیرمردی بمن شکایت آورد و گفت چون در اینجا کاری نیست و زراعت از بین رفته پسر من بدنال کاری بیکی از شهرها رفته و هر شب از دوری او گریه میکنم نمیدانم بان سمت خلیج رفته یا بیکی از شهرها بمن میگویند او را سربازی معرفی کنم آرزو میکنم که اینجا بود و او را معرفی میکردم مسئول ژاندارسری محل خیلی خجالت میکشتم بگوئیم ولی او خجالت نکشیده بود از اینکه عملی که من خجالت میکشتم بگوئیم انجام بدهد، در حضور مردمی که در آنجا بودند شلوار از پای پیرمرد بیرون کشیده بود و او را وادار کرده بود که روی زمین زانو بزند نه تنها آن شخص و فرزندان او بلکه همه کسانی که اینرا بشنوند نسبت بیکی از مجریان قانون که بسیار عنصر کثیفی بوده، نمی‌خواهم بگوئیم که همه همینطور هستید ولی خیلی از مجریان اینطور هستند باید گفت تا تکرار نشود باید بدرد مردم برسد ولی اگر تأییدش کردید آن وقت در خانه مردم تریاک می‌گذارند که گذاشتند و هر وقت می‌گذارند که گذاردند و گستاخی را بانجام یکشانند که در پاسگاه‌های خودشان به کشیدن تریاک مبادرت میکنند کسی که باید با تریاک و تریاک کشی مبارزه کند اینها را برای نمایش نم‌گوئیم اینها را قبلاً هم گفته‌ام چیزی نیست که برای اولین بار بعنوان کنیم و کسی نداند. پس بریشه دردها آشنا شوید ببینید واقعاً مرد اینکار هستید یک انسان شرافتمند بهتر از هر کس میتواند تشخیص بدهد که چقدر قدرت و توانایی در مغز و در پیکرش وجود دارد من اینجا

قضاوت را به خود این انسانهای شرافتمند واگذار میکنم ولی من شاهد بودم کسانی بودند که شرافت خودشان را با ذاه مبلغی فروختند و از دست دادند شرافتی که جان انسان تنها برای پاسداری از او ارزش از دست رفتن را دارد شرف انسانی و شرف ملی، شرف یک مرد و شرف یک زن برای پاسداری، از جان باید مایه گذاشت در حالی که حکم ازلی این است که ارجان باید در مقابل بلایا پاسداری کرد تا بهنگام فداکاری کرد من گمان میدارم کسانی که سوابق روشنی ندارند می‌توانند خودشان را برای این جامعه باز هم توجیه کنند ولی بهائی که می‌پردازند باید بسیار گران باشد، باید برستی جامعه از آن‌ها بپذیرد که آنها نیست بمال دیگر توجه ندارند و چهره دیگری پیدا کرده اند و چهره سابق خودشان را مثل یک ماسک کنده اند و دور ریخته‌اند و انسان واقعی شده اند و ما مسلمانان در قرآن کریم می‌خوانیم والله ثواب العظیم و یک انسان تیز که روح خدادار او رسیده باید بکوشد که صفات خدائی را در وجود خودش بیدار کند ولی یک چنین انسانی انسان فریب خور نیست باید برای او ثابت کرد که دیگر آنچه که مرابه سکوت در برابر نابکارها و امید داشت برای من بی ارج شده و من آن‌ها را لکد می‌کنم و به آن‌ها نظری ندارم باید حاضر بشود و تنه‌ها به حقوق ناچیز نخست وزیر بسازد، مادام العمر باید به یک چنین زندگی محقری و حقوق اندک نخست وزیر اکتفا کند.

دکتر مشیر - چطور نخست وزیر حقوق ناچیزی می‌گیرد؟!

ظفری - عرض من در برابر درآمدهای هنگفتی است که دیگران

بناحق بچنگ می‌آورند و آنوقت جامعه ایران بپذیردش که تو سالهای دراز با ناسامانی‌ها مبارزه کنی و جامعه ما را دوباره میتوانی بسمت بزرگی و سرفرازی و شرافت رهبری کنی، عرض من در مقابل بسیاری از مسائلی که بسیاری از مردم در جاهای دیگر کشور مطرح می‌کنند می‌کنند و در مقابل درآمدهای بی‌رویه است شاید یکسال یا دو سال قبل اینجا توضیح دادم و گفتم اینجاسؤال کردم که آقایان یک وزارتخانه چقدر حقوق می‌گیرد و بمن پاسخ دادند در آن لحظه و در آن زمان ده هزار تومان و من گفتم که معاون یک وزارتخانه یعنی یک فرد فعال و کوشنده و یک فرد متخصص که شاید از بهترین دانشگاههای جهان فارغ التحصیل شده باشد ولی ده هزار تومان حقوق می‌گیرد، اما شما امروز از پشت این تریبون سخن از میلیون‌ها و میلیاردها می‌زنید،

در یکی از نطق‌های قبلی ام پشت این تریبون ادا کردم و شنیدید، پس داوری ما، داوری لحظه‌هایست داوری دوران‌هاست، داوری سال‌هاست و بپذیریم که برای حل معضلات جامعه ایران به تمام مردان با شرف و با فضیلت نیاز داریم، این‌ها نباید فقط خودشان را در برابر مجلس شورای ملی تیزنه کنند و رأی بگیرند جامعه ملی ایران باید آنها را بپذیرد که جامعه ملی ایران موجب چنین تغییرات و تحولاتی شده‌است، این بود سخن آخر من و از شما سپاسگزارم، متشکرم (احسن)

رئیس - آقای پروفیسور یغمائی بفرمائید.

پروفیسور مسعود یغمائی - جناب آقای رئیس . همکاران محترم . باقلبی سرشار از اندوه بمناسبت از دست دادن جمعی از خواهران و برادران ایرانی خود در جریان رویدادهای تلخ و اسفناک اخیر در نقاط مختلف مملکت به همه هم وطنان بخصوص به بازماندگان آنها تسلیت میگویم و از خداوند بزرگ میخواهم که مسبین اصلی وقایع اخیر را که جز بیگانه و سستی بیگانه‌پرست نمیتواند باشد به سزای اعمال پلیدشان برساند .

بحث **پیرامون برنامه دولتی** است که در رأس اهداف خود سیاست آشتی ملی را عنوان نموده که در این برهه از زمان جازا اهمیت خاص مییابد . سخن از برنامه دولتی است که در رأس آن مردی قرار گرفته که از هر جهت برای دم زدن از آشتی ملی شایستگی و صلاحیت دارد . دیدیم در حالی که بیش از چند روز از عمر این دولت نگذشته بود اولین قدم‌ها را در ایجاد حسن رابطه بین حکومت و روحانیت که نام آنرا تفاهم ملی باید گذاشت برداشت روحانیون و مبلغین مذهبی اسلام که بعنوان مرییان بشریت مورد کمال احترام قاطبه ملت ایران بویژه مسلمانان بوده و میباشند . شکی نیست که این

آشتی ملی یا تفاهم ملی برای آنکه بطور کامل تحقق پذیرد نیاز به زمان دارد و موضوع زمان که بنظر من از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است صلاح است ملحوظ نظر باشد . این یک موضوع مهمتر آنکه تا برقراری کامل تفاهم ملی باید ملت بیدار و آگاه ایران به دشمنان ایران و اسلام فرصت ندهد که بین طبقه حاکمه و فاضله مملکت که حکومت و روحانیت باشد جدائی انداخته شکر آب سازند . ملت هوشیار این مرز و بوم که احساس نموده وطن در خطر است به فرصت طلبان و خواهان تجزیه ایران که هر روز در لباسی و شکلی دیگر ظاهر میشوند اجازه ندهد که این مزدوران از خدای خیر باصطلاح

و ارقام زیادی شنیده‌ایم که هرگز هیچ مقام اندیشه‌ای در جامعه ما و هیچ مقام خدمتی در مقابل مردم نداشته‌اند بهر حال من عقیده دارم که تمام اهرم‌ها و سیستم‌ها و دستگاه‌هایی که مورد استفاده حکومت ۱۰ ساله گذشته بوده و می‌بایستی در شناختن و بکار بردنش تجدید نظر بشود، بجای اینکه قدرت را در اختیار غارتگرها بگیرد و بر علیه جامعه ایران استفاده کنید این قدرت را مبتنی بر ایمان و آرمان و مبتنی برینش ملی و در خدمت ملت ایران قرار دهید . بجای اینکه ۳۴ میلیون نفر را بپائید که چی میخوانند وجه می‌گویند و بیچ بیچ می‌کنند که چیزی جز سخن فساد و غارتگری دستگاه‌های حاکم نبود دستگاه‌های مسئول را به پائید و در اولین قدمی که کج بر میدارند راستشان کنید (آفرین) قدرت برای این لازم است و این قدرت مقدس است ، ولی هیئات ما درست در مسیر خلاف آن گام بر میداریم، نیروی جامعه ایران درآمدهای ملی ایران، در اختیار خود کامگان و سودجویان و پول پرستان قرار گرفت شخصی در بالاترین پایگاه دفاع از موجودیت ملت ایران و در پایگاه دفاع از آب‌های گرم خلیج به جرم دزدی به دادگاه کشانده شد .

ملکشاهی - بفرمائید خلیج فارس .

ظفری - خلیج فارس و خلیج همیشه ایرانی فارس متشکرم که یادآوری کردید، در آن زمان که دستگاه‌های مسئول ما در خارج از کشور گوش‌هایشان را می‌بستند و نشریاتی که کلمه جعلی را بکار می‌بردند و به آن عکس‌العمل نشان نمیدادند من با آنها مبارزه کردم ، نامه نوشتم و اعتراض کردم و به عنوان یک دانشجوی ساده ایرانی عکس‌العمل نشان دادم .

ناظمی - آقای ظفری شما مرد وطنپرستی هستید .

ظفری - متشکرم ، این است که ارزش پول و مال دنیا و دوری از ینش‌های ملی‌مان به آن پایه رسید که چنان شخصی که جاننش را در کف دست‌هایش می‌گذاشت و هدیه آب‌های گرم خلیج فارس میکرد، پایگاه خودش را سنگر دزدی قرار داد ، من در نطق دیگری که پشت همین تریبون ادا کردم یادآور شدم که ایران زمین گردنه دزدان و غارتگران نیست و همه شنیدید ولی دزدان و غارتگران از این سرزمین به عنوان گردنه استفاده کردند و چون در گردنه نمیشود زندگی کرد سالشان را به کوشان گذاشتند و رفتند و امروز در گوشه‌ای از دنیا که به ایشان خوش بگذرد زندگی می‌کنند، این‌ها درد‌هاست این‌ها نگرانی‌هاست و این سخن امروز من نیست، این دقیقاً جمله‌ای است که من

از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و خدای ناکرده در انجام مقاصد شوم ضد میهنی که دارند توفیق حاصل نمایند .

بحث از زمان لازم برای ایجاد تفاهم ملی بود امیدوارم این مدت هر چه ممکن است کوتاه‌تر باشد و دولت جناب آقای مهندس شریف‌امامی در اسرع وقت بان دست یابد تا بتواند در سایه آراش کامل به برنامه‌های بنیادی و اساسی خود در جهت زلفه مردم و پیشرفت مملکت بپردازد چه بدخواهان و بداندیشان که خواهان تجزیه این

مزر و بوم هستند ظاهراً گذشت زمان را مساعد برای قدم بدم مرحله به مرحله نقشه‌های پلید خود نمی‌بینند آنها نگرانند مبدا آشتی ملی سر بگیرد و رهبران مذهبی عالیقدر ما که در نهان امر موافق با شوریدگی اوضاع و احوال در کشی و هرج و مرج اقتصادی و اجتماعی هستند بیش از پیش بر شعار آراش و سکون تأکید ورزند در آن صورت چگونه میتوان از احساسات و هیجانات مردم برای کشانیدن آنها به چنگ پلیس و ارتش بهره‌گرفت چگونه میتوان اعتصاب را به انقلاب و تظاهرات مسالمت‌آمیز را به کشت و کشتار خیابانی تبدیل کرد چگونه میتوان با بخش اعلامیه‌های جعلی و تلف‌ها و پیام‌های تهدید آمیز مردم را به وحشت انداخت و هراس از حوادث دهشتناک و به راه انداختن حجام خون را به اوج رساند . این صدا صدای مردم ایران است این تلاش شقاوت‌آمیز با مبارزات مردم اصیل و شریف ایران فرق اساسی دارد . مردم کاملاً هوشیارند مملکت هم از رهبری قوی و خوبی برخوردار است که از حمایت کامل ملت پشتیبانی میشود و این

بارهم همانند دفعات گذشته که مملکت دستخوش آشفته‌گی و اضطراب که ناشی از بحران‌های بین‌المللی و تحریکات خارجی است موفق و سربلند بیرون خواهد آمد و به حسودان و بداندیشان که تحمل دیدن و شنیدن پیشرفت‌های همه جانبه مملکت را در سال آتی اخیر به یمن درآمدهای سرشار نفتی ما نداشته و ندارند درسی بزرگ خواهند داد .

جناب آقای مهندس شریف‌امامی شرفصدور فرمان همایونی خطاب به شما مبنی بر تشکیل کابینه را که برای دومین بار در طول زندگی سیاسی‌تان درخشیده است آنهم در این مرحله حساس زمانی که با کوهی از مشکلات روبرو هستید . از غرور انگیزترین حوادث زندگیتان دانسته مبین حسن ظن رهبر عالی‌قدرمان بر لیاقت و شایستگی شما میدانم و آرزو میکنم با ترکیب خوبی که انشاء الله در دولت مصمم خودتان بوجود آورده‌اید خداوند توفیق

عنايت فرماید مجری خوبی بر اجرای نيات بلند او مترقی و تابناک رهبر اندیشمندان و خدمتگزارى فعال برای ملت ایران باشید (انشاء الله)

نامی از کوهی از مشکلات آوردم که بی‌گمان وجود دارد و شما کشوری را به من نشان دهید که فاقد آن باشد و این بنظر من در یک مملکت بارش سریع یک پدیده کاملاً طبیعی است ضرب‌المثلی داریم که میگوید مشکلی نیست که آسان نشود . مسلماً این ضرب‌المثل وقتی تحقق می‌پذیرد که همانطور که در اعلامیه‌ایکه از طرف دولت جدید خطاب به ملت ایران آمده بود : به سامان در آوردن اداره امور کشور جز با همکاری همه نیروهای ملی و همه علاقمندان به استقلال وطن و تمامیت ارضی ایران امکان‌پذیر نخواهد بود و بدون تردید تا وقتی که تمام نیروهای ملی به خاطر نجات وطن بسیج نشود نمیتوان به آینده‌ای روشن که جامعه ما را بسوی خیر و صلاح ، آراش و آسایش رهنمون گردد امید بست . البته باید توجه داشت که ملت ایران هیچگاه حاضر نخواهد شد برای از بین بردن کوه مشکلات هر چند رفیع و برای عبور از تنگناها هر چند صعب‌العبور و رسیدن به مرزهای تفاهم ملی کامل تن به سازش با طرفداران هرج و مرج و خدای ناکرده تجزیه ایران بدهد . ملت ایران کاملاً آگاه و بیدار است از یک طرف می‌بیند که از جانب یک برادر مسلمان به برادر مسلمان ارتشی اش گل تقدیم میشود از سوی دیگر شاهد نثار بمب به برادر مسلمان پاسبان خود میباشند

در یک جامعه می‌بینید که برادران و خواهران مسلمان به سر روی هم گلاب می‌پاشند ، از محلی دیگر اسیدپاشی جای گلاب‌پاشی را میگیرد . تقدیم گلاب و پاشیدن گلاب را تحسین میکنند . نثار بمب و اسیدپاشی را مطرود میدانند و به فکر فرو میرود که عده‌ای از آزادی یا سوء استفاده می‌کنند یا برداشت غلط دارند یا اصولاً اندیشه ایرانی و ایران دوستی ندارند بخصوص که بخوبی اطلاع دارند رهبران ایرانی که مورد احترام همه میباشند در کلیه موارد مردم را به نظم و آراش دعوت می‌کنند و از انجام هر نوع خشونت ظلم و ستم بر حذر میدارند . میدانند که دولت تعظیم بر شعائر مذهبی و احترام قاطع به جامعه روحانیت و احکام اسلامی را که قانون اساسی ملهم از آن است و پاسداز آنست پیوسته و در همه امور نصب‌العین خود قرار داده و قید کرده بی‌گمان وصول به این هدف بمنکن نخواهد بود مگر اینکه مبارزهای بی‌گیر ، مستمر و همه جانبه با فساد و فساد صورت گیرد و همه

کسانی که به نحوی به بیت‌المال دست‌اندازی کرده‌ایم. از قدرت‌های مملکتی در جهت سیراب ساختن مطامع شخصی سود برده و حقوق دیگران تجاوز کرده اند به قانون و مجازات سپرده شوند (صحیح است). بنده معتقدم برای جلب رضایت بیشتر مردم لازمست دولت در این مورد بخصوص دیگر صحبت نکند حرف نزنند بلکه عمل کند آنهم قاطع و به مردم نشان دهد مسئولان بی تفاوت و نادرست. نالایق در هر سمت و موضعی که باشند از مجازات معاف نخواهند بود و بر طبق موازین قانونی با آنان عمل خواهد شد (آفرین) نشان دهد که مردم میتوانند و می‌باید از امنیت قضائی برخوردار باشند بدین معنی که دستگاهی وجود دارد که با کمال قدرت و در نهایت بی نظری به دعاوی آنان رسیدگی میکند و مانع از پایمال شدن حقوق حقه آنها میشود کاری کند که داموران دولتی خود را خادم مردم و در خدمت مردم بدانند و در قبال آنها احساس مسئولیت و وظیفه شناسی نمایند نه آنکه فرعون وار به مردم بنگرند و از اینکه انجام وظیفه می‌کنند تقاضا بفرشند و طلبکار باشند با پرهیز از بکار گرفتن خانشان در لباس خادم عملاً حسن نیت خود را به مردم نشان دهد کاری کند که با لایحه یک‌روزی ضوابط جای روابط را بگیرد و از بسیاری از عقده‌ها بکاهد تا جائیکه ممکن است از سلسله مراتب اداری بکاهد و تمهیدی بیندیشد تا از تماس مکرر مردم با مأموران دیوانی جلوگیری بعمل آید و انجام خواست‌ها و نیازهای آنها سرعت بیشتری پیدا نماید. در انتخاب مدیران و سواست بیشتر بخرج دهد و ثابت کند که بدنام‌های سرشناس هرگز به تصدی امور گمارده نخواهند شد به کسانی که در تصدی های قبلی خود نزد مردم کم اعتبار یا بی اعتبار شده‌اند دیگر بار تصدی سمت‌های مختلف سیاسی - اجتماعی داده نشود و اصولاً این قبیل اشخاص را برای همیشه کنار بگذارد و بخصوص اولویت بر کناری را در مورد نادرستان برجسته و مشخص در نظر داشته باشد و آنها را به دستگاه عدالت بسپارد (صحیح است) باتدوین قانونهای مشخص و معین برای آزادی اجتماعات و تظاهرات و آزادی بیان و قلم به مردم امکان استفاده با نظم از حقوق و آزادیهای مربوط به آنها را بدهد.

در مردم این باور را بوجود آورد که با کلیه مقدرات در بر طرف کردن کمبدها و نارسائیهای شهری برای شهروندان و تأمین حداقل امکانات رفاهی برای روستائیان آماده است. به کابوس وحشتناک

نقشه جامع شهرها پایان دهد و مردم بسیار را از بابت تکلیفی نجات بخشد (احسنت).

با ذکر مطالبی که گذشت و مطالب دیگری که از آنها صحبت خواهد شد دولت قادر خواهد بود که در مردم ایجاد اعتقاد بکند. اعتقاد به رهبری جامعه ملی که در نظام شاهنشاهی ما بتجلی است. نظامی که ضامن حفظ و موجودیت میهن عزیز ماست و این نظام تاباکی است که همیشه به لطف خداوند پایدار خواهد ماند به کوری چشم دشمنان و حسودان ایران هرگز ایرانستان نخواهد شد. هرگز (صحیح است).

برنامه دولت را با دقت مطالعه کردم و فکر میکنم چنانچه انشاءالله کلیه نکاتی که در آن آمده به مرحله اجرا درآید مملکت گلستان خواهد شد. موضوع مهمی که بنظر اینجانب در برنامه دولت باید از اولویت خاصی برخوردار باشد توجه دقیق به امور جوانان، اصلاح امور دانشگاهها و آموزش و پرورش است اهمیت این موضوع هنگامی بیشتر میشود که در نظر داشته باشیم که ما مملکتی هستیم مواجه با پدیده مهم جوانی جمعیت نمی از جمعیت ما زیر ۱۰ سال تشکیل میدهد. و هر مملکتی که با این پدیده مواجه باشند ناگزیر است به آموزش و پرورش و کلیه اموری که مربوط به جوانان میشود بیشتر توجه داشته باشد آموزش و پرورش نه فقط از نقطه نظر اجتماعی مهمترین رکن دوام و بقای هر جامعه و حفظ خصوصیات قومی و ملی آن سرچشمه میشود بلکه از نقطه نظر اقتصادی نیز اساسی ترین عامل زیربنائی است. تعداد دانش آموزان مادر حال حاضر رقمی حدود ۱۰ میلیون نفر و تعداد دانشجویان عالی به رقم ۱۸۰ هزار نفر بالغ شده است این ارقام نمایانگر این واقعیت است که مسئولان امر در اجرای اصول پانزدهم و شانزدهم انقلاب شاه و ملت توفیق کامل داشته‌اند و من وظیفه خود میدانم برای چندین بار از همه دست‌اندرکاران چه آنها که بر سر کارند و چه آنها که بر سر کار نیستند تشکر و سپاسگزاری نمایم و از دولت جدید انتظار دارم به آموزش و پرورش مملکت از دیدگاه رشد کیفی آن توجه خاص مبذول دارد و بخصوص در مورد افزایش تعداد معلمان تربیت شده برای سطوح مختلف تحصیلی که مهمترین رکن آموزش و پرورش بشمار میرود همت گمارد البته بنده اطلاع دارم وزیر فعال و علاقمند این وزارتخانه اقدامات مهم و مؤثری در این زمینه انجام داده‌اند در حالی که از قول ایشان خواندم که مادر گذشته اگر ۱۰ هزار نفر معلم

نیاز داشتیم شاید ۱۰ هزار نفر شرکت نمی‌کردند ولی امروز برای ۲۰۰ هزار نفر معلم در حدود ۱۰۰ هزار نفر داوطلب شغل معلمی هستند و برای این حرفه سرودستی می‌شکنند این نشان میدهد که وزارت آموزش و پرورش در بالا بردن حرمت معلم و جاذبه شغل معلمی موفق بوده است صمیمانه به ایشان و همکارانشان تبریک میگویم و امیدوارم بیش از پیش موفق و مؤید باشند.

مسئله مهم دیگری که همیشه بر آن تأکید داشته‌ام امر پرورش است که متأسفانه همیشه تحت الشعاع آموزش بوده آنطور که باید و شاید بآن توجهی نشده است من قبول دارم که خانواده در این میان نقش بسیار مؤثر و حساسی دارد ولی قبول کنیم که نمیتوان نقش سازنده و اصولی مدرسه را منکر شد. باید ترتیبی اتخاذ شود تا شاهد گرایش بیش از حد جوانان به مسائلی از قبیل اعتیاد - قمار - شیوع و وحشتناک بیماریهای آمیزشی ابتلاء به بیماریهای شوم تب‌هاکازان جاده‌ها واز همه بدتر انحرافات سیاسی و تظاهرات ضد ملی و میهنی در سال های اول ورود به دانشگاهها نباشیم تظاهراتی که همه ما میدانیم اکثر آرایش و منشاء خارجی دارد با امواج سهمگین خود جوانان خوب پرورش نیافته ما را آسیب پذیر میسازد و اینها با بطور آگاه یا در اکثر موارد ناخودآگاه دست به اعمال کودکانه‌ای میزنند که هر ایرانی وطن پرستی را شرمسار و خجل میکند. بنظر من پزشک، در این مورد هم پیش گیری مهم تراز درمان است. این پیش گیری چیزی نیست جز توجه به امر پرورش نوجوانان و جوانان قبل از ورود به دانشگاه مسئله مهم در این مورد مسئله گذراندن اوقات فراغت گروه سنی فوق میباشد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و صلاح است دولت توجه خاص بآن مبذول دارد. البته برای این منظور مؤسسات متعددی در مملکت وجود دارد که متأسفانه در سازمان واحدی متمرکز نیست و این تعدد رهبری سبب اتلاف انرژی ها و اختلاف در هدفها و وسائل وصول بآنها میگردد. به همین جهت توصیه و تأکید مینماید که فعالیت رفاهی مربوط به جوانان در سازمان واحدی متمرکز شود بنده ایرادی نمی‌بینم که چنین سازمان واحدی وزارت جوانان باشد درحالیکه میدانیم نتیجه نهائی اینکار برای ساختن پایه‌های محکم و استوار ایران فرداست. بهر صورت چنانچه انجام این امر به عللی که بر من پوشیده است مقدور نباشد لااقل به همین منظور در سطح مملکت شورای هماهنگی فعالی بوجود آید و مجدانه به هماهنگ ساختن برنامه‌های رفاهی مربوط که در سازمانهای اداری مختلف طرح میشود

بپردازد و به صورتی از این پراکندگی و وظائف و مسئولیت‌های مربوط به گروه‌های مورد نظر که غالباً بسبب لوٹ مسئولیت و مشخص نبودن مسئول میگردند جلوگیری بعمل آورد در نظر داشته باشیم که اگر سرمایه‌گذاری و هزینه‌های دفاعی، حیات امروز مملکت و وجود مملکت حفظ و نگاهداری و صیانت حدود و ثغور و سرحدات و امنیت داخلی مملکت محسوب میشود سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر در امور جوانان برای تربیت نیروی انسانی نیز در حقیقت سرمایه آینده مملکت و در واقع موجبات تأمین آینده بهتر مملکت محسوب میشود در مورد آموزش عالی و دانشگاهها تا کنون سخن زیاد گفته شده و نکته ناگفتنی باقی نمانده است افتخار بزرگم در زندگی اینست که خود دانشگاهی هستم و حدود ۲۰ سال از عمرم در راه تربیت و آموزش جوانان این مملکت در دانشگاه سپری شده است و در هر فرصتی که نصیب شده نظرات خود را در مورد نحوه بهتر اداره کردن این گونه مؤسسات و تغییرات بنیادی که لازم است در آنها داده شود ابراز داشته‌ام و خواهم داشت اکنون که می‌بینم دولت جدید باین مهم توجه نموده و وزیر محترم علوم و آموزش عالی که خود عمری در مدیریت دانشگاهی سپری نموده با کولباری از تجارب و دانسته‌های خود تا کنون قدم‌های مثبت و مؤثری در این راه برداشته بسیار خوشوقتم و امیدوارم باین منظور و بخصوص در مورد استقلال کامل دانشگاهها توفیق کامل داشته باشند چند سالی است که در آموزش و پرورش کشورمان در تمام سطوح با مسئله‌ای بنام دانشجویان و دانش آموزان مقیم خارج از کشور روبرو هستیم. آنچه مسلم است تعداد داوطلبان تحصیل خارج از کشور بطور تصاعدی روبرو افزایش است. از توجه و موقعیت آنها که برای تحصیل به خارج از کشور رفته یا میروند نمیتوان بی‌سادی و اجمال سخن گفت چرا که تعداد این افراد در حال حاضر تا بدانجا رسیده که بی توجهی به آنان بی توجهی به سرمایه‌های عظیمی است که در قالب آرزو و نیت‌های انسانی از این سرزمین خارج میشود. اصل مسلم آنست که جامعه متحول ایران شدیداً به افرادی نیاز دارد که به خارج از کشور بروند و در مراکز علمی جهان صنعتی و پیشرفته آموزش به بیند و با کولباری از دانشها و تخصص‌های نوین آرزو به کشور بازگردند و در سازندگی جامعه بکوشند از سویی محدود کردن و جلوگیری از ادامه تحصیل ایرانیان در خارج از کشور ضربه‌ای شدید به اقتصاد کشور میزند چرا که ناچار خواهیم بود نیروی انسانی

متخصص و مورد نیاز را با قیمتی بسیار گزاف از خارج وارد کنیم علاوه ایجاد صنایع سنگین و تأسیس نیروگاه‌های اتمی استفاده از ماهواره‌های مخابراتی و غیره در صورتی شمرش خواهد بود که نیروی انسانی مورد لزوم برای اندازه آنها را خودمان از نیروی اصیل ایرانی در اختیار داشته باشیم و از سویی دیگر بپذیریم که محصلین ایرانی خارج از کشور با توجه به بودجه‌ای که صرف تربیت و آموزش اولیه آنان شده و نیز بودجه‌ای که برای زندگی و تحصیل آنان بصورت ارز از کشور خارج میشود یکی از صنایع زیر بنایی و اساسی کشور است توجه به نیازها و وضع و موقعیت آنان در خارج از کشور در واقع حلیت و تضمین این صنعت است و در این راه نیاز به سازمانی است که بتواند بطور کامل پاسخگوی نیازهای محصلین خارج از کشور باشد. چنین سازمانی باید امور زندگی، انتخاب رشته‌های تحصیلی، امکانات مالی، موقعیت تحصیلی و خیلی مسائل دیگر کلیه داوطلبان تحصیل در خارج از کشور را زیر نظر داشته باشد به نظر میرسد مسئول مستقیم و تنها دستگاهی که باید به این سؤالها پاسخ گوید و به چاره اندیشی پردازد سازمان امور دانشجویان کشور است اما این سازمان که وظیفه سنگین و دشواری در آموزش عالی ایران بعهده دارد تنها آمار و اطلاعاتی که از دانشجویان ایرانی خارج از کشور دارد مربوط به کسانی است که از طریق آن سازمان و با استفاده از گذرنامه تحصیلی به خارج رفته‌اند نباید از نظر دور داشت که بیش از نیمی از محصلین ایرانی خارج از کشور بطریق عادی و بدون گذرنامه تحصیلی به خارج از کشور رفته‌اند اینان نه مقصودشان معلوم است نه رشته‌هایی که احیاناً در آن تحصیل میکنند نه تعداد آنها که باز میگردند و نه هیچ اطلاعی دیگر از آنان که متأسفانه اکثرشان باز نمیگردند. طبق آمار رسمی تعداد دانش‌آموختگان بازگشته به کشور در مقایسه با تعداد دانشجویان اعزامی بطور متوسط هر سال ۱۰ درصد کاهش داشته است طی ۹ سال گذشته ۳۲۵۷۳۱ نفر ایرانی از طریق سازمان امور دانشجویان برای تحصیل به خارج از کشور اعزام شده‌اند در همین مدت ۲۲۶۸۱ دانش‌آموخته ایرانی به کشور مراجعت کرده‌اند که این خود یک فاجعه است. عیب کار اینست که متأسفانه هنوز سیاست جمعیتی صحیحی پیاده نکرده‌ایم و بدرستی نمیدانیم نیاز جامعه ما به رده‌های مختلف نیروی انسانی کدامست؟ من این مسئله را بارها و بارها تذکر داده‌ام

باز هم خطاب به دولت جدید تأکید می‌کنم اگر سازمانی داشتیم که این چنین می‌کرد و برنامه‌ها را هماهنگ مینمود ما امروز گرفتاری با حدود ۱۰ میلیون دانش‌آموزی که نمیدانیم در آینده با آنها چه کنیم نداشتیم و این گرفتاری در پایان برنامه ششم که مسلماً تعداد این دانش‌آموزان چندین برابر خواهد شد دو صد چندان خواهد شد اگر نسل کنونی اندک مسئولیتی نسبت به مسائل نسل آینده احساس کند لاجرم باید از حالا به این موضوع بیندیشد و در صد چاره‌جویی برآید. بنظر اینجانب در مورد محصلین ایرانی مقیم خارج کشور صلاح است اولاً از پراکندگی آنها در کشورهای مختلف جهان جلوگیری بعمل آید ثانیاً به آنها اجازه داده شود فقط در دانشگاه‌های معتبر و مورد قبول آنها در کشورهای لاقابل هم‌تراز کشور خودمان و در رشته‌های مورد نیاز جامعه خودمان در خارج به تحصیلات خود ادامه دهند و از همه نظر تحت کنترل و سرپرستی دقیق باشند تا بتوانند بهترین بازده را برای مملکت ما به‌ارزمان آورند. با توجه به صنعتی شدن کشور اقدام به تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای از ضروریات بشمار میرود (صحیح است) من اعتقاد دارم که بسیاری از مسائل جوانان پشت کنکور را میتوان با ایجاد این قبیل مدارس حل کرد در نظر داشته باشیم که در برنامه عمرانی ششم حدود ۳ میلیون آدم وارد به حرف و کارهای فنی لازم داریم باید از حالا بفکر تهیه این رقم باشیم خوشبختانه اطلاع دارم وزیر محترم آموزش و پرورش به این مطلب توجه دارند امید است در راه تأسیس تعداد هرچه بیشتر این قبیل مدارس در سال‌های آینده توفیق داشته باشند.

توجه به کشاورزی و تولیدات ملی تا حد خود کفایتی که در سرلوحه برنامه دولت قرار گرفته از هر لحاظ شایان تقدیر و تحسین است. میدانیم که در سال‌های اخیر علیرغم همه تلاش‌ها و کوشش‌ها متأسفانه فاصله شهر و روستا روز بروز بیشتر شده بعلاوه برنامه‌های غلط کشاورزی نبودن فرصتهای اشتغال در روستاها منطبق نبودن طرح‌های روستائی و کشاورزی با ویژگی‌های منطقه. موجب مهاجرت روستائیان با شتاب زیاد به شهرها شده است و مهمتر آنکه این مهاجرت بدون توقف ادامه دارد روستائیان با شتابزدگی خاصی زمین‌های زراعی را رها می‌سازند و در پی کار بهتر و درآمد بیشتر به شهرهای بزرگ روی می‌آورند و بر مشکلات شهرها می‌افزایند. علت این امر روشن است.

کشاورزی از صنعت عقب افتاده و رشد صنعتی بر مراتب فراتر از کشاورزی رفته است در نتیجه درآمد کارگران در شهرها بیشتر از درآمد کشاورزان در روستاها شده است و همین عامل سبب شده که حتی کشاورز صاحب زمین شده به اقامت در روستا تشویق نشود و شهر را رها و اوسه کند. این امر از یکطرف به روستاها و تولیدات کشاورزی لطمه می‌زند و از سوی دیگر فشار بر شهرها را بیش از حد تحمل افزایش میدهد. باید توجه داشت اکثریت افرادی که در روستاها باقی مانده‌اند دو طبقه‌اند یکی جوانان زیر ۱۰ سال دیگر افراد مسن. طبقه فعال آنها همانند سیل بطرف شهرها سرازیر هستند و بعلاوه نداشتن تخصص جذب کارهای غیر تولیدی میشوند اگر برنامه ریزی کشاورزی بطریق صحیح عمل نشود که انشاءالله اینطور نخواهد شد. در سال‌های آینده سیل مهاجرت جوانان روستائی ادامه خواهد یافت و روستاهای ما با داشتن تعدادی افراد سالخورده به امان خدا رها خواهند شد کمالاتی که تعدادی از آنها هم اکنون این چنین شده است و باین ترتیب هیچ روزنه‌ای برای خود کفایتی در بخش کشاورزی وجود نخواهد داشت و هم‌چنان بعنوان واردکننده محصولات کشاورزی بویژه محصولات غذایی باقی خواهیم ماند که زبان‌ها و خطراتش ناگفته آشکار است (صحیح است).

در برنامه دولت آمده بود که قیمت خرید گندم از کشاورزان طی دوهزار ریال افزایش یافت و از سال آینده این مبلغ یک هزار ریال افزایش می‌یابد و به تنی ۱۰ هزار ریال میرسد که این خود اقدام بسیار خوب و قابل تحسینی است و جای تشکر فراوان دارد. لازم میدانم در این رهگذر توجه دولت را به کشت چغندر قند که در استان خراسان بخصوص راجع است جلب نمایم. بعلاوه پائین بودن نرخ خرید. بالا رفتن دستمزد کارگر، افزایش قیمت لوازم یدکی، نبودن تعمیرگاههای مجاز ماشین آلات کشاورزی در استان و از همه مهمتر تبدیل بعضی از مزارع زیر کشت چغندر به سایر فرآورده‌های کشاورزی خصوصاً محصولات جالیزی پیش‌بینی میشود که کشت چغندر قند در سال ۱۳۵۷ نسبت به سال ۱۳۵۶ حدود ۵۰ درصد کاهش داشته باشد و این خطر بزرگی است که بحران تعطیل حدود ۱۰ کارخانه قند با ظرفیت روزانه مجموعاً ۱۹۸ تن چغندر قند در سطح استان را تهدید میکند (صحیح است) امید است وزیر محترم کشاورزی در مورد تجدید نظر نرخ خرید چغندر قند و جلب رضایت

کشاورزان و تشویق آنان و جلوگیری از تعطیل احتمالی کارخانجات قند اقدامات مثبت و مؤثری بعمل آورند در امر بهداشت و درمان متأسفانه در این مورد غالباً صحبت از توسعه امور درمانی است و همیشه درباره کمبودهای درمانی گفتگو میشود ولی هیچگاه حرف از پیش‌گیری بعین نمی‌آید حال آنکه پیش‌گیری مهمتر از درمان است بروز و درمان هر بیماری کارخواه و پرهزینه است در حالیکه پیش‌بینی و پیش‌گیری با کار اندک موجب صرفه‌جویی در مصرف نیروی انسانی خواهد گردید. پیش‌گیری از بروز بیماری تا حدی که در توانائی پزشکی امروز است کار بسیار با ارزش پزشکی نوین محسوب میشود که به تندرستی هر چه بیشتر مردم کشور ما سودمند خواهد افتاد و به نسبت تأثیر خود از بروز بیماریها خواهد کاست پوشش درمانی گسترده‌ای که برای همه مردم کشور ما در نظر گرفته‌شده آرزوی دیرین این مردم و در واقع آرزوی همه ملت‌ها نیست که هنوز بدان دست نیافته‌اند این امید است که همه مردم ما از دیرباز داشته‌اند تا دیگر محدودیت‌های مالی، درمان یک بیمار را بفردا نیفتند و یا آنجا که نیاز به درمانهای تخصصی یا بیمارستانی باشد از بیم هزینه آن خانواده سرنوشته خود را بقضا و قدر نسپارد (صحیح است - احسن است). دسترسی به چنان بیمه گسترده‌ای که اندیشیده شده تا چند سال پیش خیالی بسیار دور مینمود ولی اکنون از پرتو پیروزیهای بی‌دریگی کشور ما در زمینه‌های گوناگون چنین وعده‌های بسیار نزدیک دست یافتنی شده است در این زمینه اقدامات همه جانبه‌ای تا کنون صورت گرفته ولی متأسفانه اکثر این اقدامات در جهت بیمه امراض محدود بوده و تلاشی عمده برای سلامت بعمل نیامده است من معتقدم که مردم باید از بیمه سلامت برخوردار باشند زیرا بیمه امراض که به طریق طب آزاد و حق‌العلاج عنوان شده است فقط افراد را در موقع بیماری مورد حمایت قرار میدهد و هیچ کوششی برای نگاهداری سلامت نمیکند سیستم بیمه امراض بیمار بودن و مصرف دارو را تشویق میکند به عبارت دیگر سلامت افراد را پس از زایل شدن به بدن باز نمیگرداند و تلاشی برای نگهداری سلامتی در بدن نمی‌نماید بخصوص که اگر در نظر داشته باشیم رشد سریع و پیشرفته کشور در همه شاخه‌های اقتصادی پشیمانانه نیروی انسانی ما آورده است گسترش بیمه درمانی هم نیاز ما را به نیروهای پزشکی و پیراپزشکی بیشتر نموده دسترسی به خدمات پزشکی پس از گسترش بیمه‌ها از حالت یک خدمت بصورت یک حق برای مردم درآمد.

متخصص و مورد نیاز را با قیمتی بسیار گزاف از خارج وارد کنیم علاوه ایجاد صنایع سنگین و تأسیس نیروگاه‌های اتمی استفاده از ماهواره‌های مخابراتی و غیره و غیره در صورتی متمرکز خواهند بود که نیروی انسانی مورد لزوم برای اداره آنها را خودمان از نیروی اصیل ایرانی در اختیار داشته باشیم و از سویی دیگر بپذیریم که محصلین ایرانی خارج از کشور باتوجه به بودجه‌ای که صرف تربیت و آموزش اولیه آنان شده و نیز بودجه‌ای که برای زندگی و تحصیل آنان بصورت ارز از کشور خارج میشود یکی از صنایع زیر بنایی و اساسی کشور است توجه به نیازها و وضع و موقعیت آنان در خارج از کشور در واقع حمایت و تضمین این صنعت است و در این راه نیاز به سازمانی است که بتواند بطور کامل پاسخگوی نیازهای محصلین خارج از کشور باشد. چنین سازمانی باید امور زندگی، انتخاب رشته‌های تحصیلی، امکانات مالی، موقعیت تحصیلی و خیلی مسائل دیگر کلیه داوطلبان تحصیل در خارج از کشور را زیر نظر داشته باشد به نظر میرسد مسئول مستقیم و تنها دستگاهی که باید به این سؤال ها پاسخ گوید و به چاره اندیشی بپردازد سازمان امور دانشجویان کشور است اما این سازمان که وظیفه سنگین و دشواری در آموزش عالی ایران بعهده دارد تنها آمار و اطلاعاتی که از دانشجویان ایرانی خارج از کشور دارد مربوط به کسانی است که از طریق آن سازمان و با استفاده از گذرنامه تحصیلی به خارج رفته‌اند نباید از نظر دور داشت که بیش از نیمی از محصلین ایرانی خارج از کشور بطریق عادی و بدون گذرنامه تحصیلی به خارج از کشور رفته‌اند اینان نه مقصودشان معلوم است نه رشته‌هایی که احیاناً در آن تحصیل میکنند نه تعداد آنها که باز میگردند و نه هیچ اطلاعی دیگر از آنان که متأسفانه اکثرشان باز نمیگردند. طبق آمار رسمی تعداد دانش‌آموختگان بازگشته به کشور در مقایسه با تعداد دانشجویان اعزامی بطور متوسط هر سال ۱۰ درصد کاهش داشته است طی ۹ سال گذشته ۳۲۰۵۷۳ نفر ایرانی از طریق سازمان امور دانشجویان برای تحصیل به خارج از کشور اعزام شده‌اند در همین مدت ۲۲۶۸۱ دانش‌آموخته ایرانی به کشور مراجعت کرده‌اند که این خود یک فاجعه است. عیب کار اینست که متأسفانه هنوز سیاست جمعیتی صحیحی پیاده نکرده‌ایم و بدرستی نمیدانیم نیاز جامعه ما به رده‌های مختلف نیروی انسانی کدامست؟ من این مسئله را بارها و بارها تذکر داده‌ام

باز هم خطاب به دولت جدید تأکید می‌کنم اگر سازمانی داشتیم که این چنین می‌کرد و برنامه‌ها را هماهنگ مینمود ما امروز گرفتاری با حدود ۱۰ میلیون دانش آموزی که نمیدانیم در آینده با آنها چه کنیم نداشتیم و این گرفتاری در پایان برنامه ششم که مسلماً تعداد این دانش‌آموزان چندین برابر خواهد شد دو صد چندان خواهد شد اگر نسل کنونی اندک مسئولیتی نسبت به مسائل نسل آینده احساس کند لاجرم باید از حالا به این موضوع بیندیشید و در صد چهارم جوئی برآید. بنظر اینجانب در مورد محصلین ایرانی مقیم خارج کشور صلاح است اولاً از پراگندگی آنها در کشورهای مختلف جهان جلوگیری بعمل آید ثانیاً به آنها اجازه داده شود فقط در دانشگاههای معتبر و مورد قبول آنها در کشورهای لاقابل هم‌تراز کشور خودمان و در رشته‌های مورد نیاز جامعه خودشان در خارج به تحصیلات خود ادامه دهد و از همه نظر تحت کنترل و سرپرستی دقیق باشند تا بتوانند بهترین بازده را برای مملکت ما به ارمغان آورند. با توجه به صنعتی شدن کشور اقدام به تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای از ضروریات بشمار میرود (صحیح است) من اعتقاد دارم که بسیاری از مسائل جوانان پشت کنکور را میتوان با ایجاد این قبیل مدارس حل کرد در نظر داشته باشیم که در برنامه عمرانی ششم حدود ۳ میلیون آدم وارد به حرف و کارهای فنی لازم داریم باید از حالا ب فکر تهیه این رقم باشیم خوشبختانه اطلاع دارم وزیر محترم آموزش و پرورش به این مطلب توجه دارند امید است در راه تأسیس تعداد هر چه بیشتر این قبیل مدارس در سال‌های آینده توفیق داشته باشند.

توجه به کشاورزی و تولیدات ملی تا حد خود کفایتی که در سرلوحه برنامه دولت قرار گرفته از هر لحاظ شایان تقدیر و تحسین است.

میدانیم که در سال‌های اخیر علیرغم همه تلاش‌ها و کوشش‌ها متأسفانه فاصله شهر و روستا روز بروز بیشتر شد و بعلمت برنامه‌های غلط کشاورزی نبودن فرصتهای اشتغال در روستاها منطبق نبودن طرح‌های روستائی و کشاورزی با ویژگیهای منطقه موجب مهاجرت روستائیان با شتاب زیاد به شهرها شده است و مهمتر آنکه این مهاجرت بدون توقف ادامه دارد روستائیان با شتابزدگی خاصی زمین‌های زراعی را رها می‌سازند و در بی‌کار بهتر و درآمد بیشتر به شهرهای بزرگ روی می‌آورند و بر مشکلات شهرها می‌افزایند. علت این امر روشن است.

کشاورزی از صنعت عقب افتاده و رشد صنعتی به مراتب فراتر از کشاورزی رفته است در نتیجه درآمد کارگران در شهرها بیشتر از درآمد کشاورزان در روستاها شده است و همین عامل سبب شده که حتی کشاورز صاحب زمین شده به اقامت در روستا تشویق نشود و شهرآوارا و سوسه کند. این امر از یکطرف به روستاها و تولیدات کشاورزی لطمه میزند و از سوی دیگر فشار بر شهرها را بیش از حد تحمل افزایش میدهد. باید توجه داشت اکثریت افرادی که در روستاها باقی مانده‌اند دو طبقه‌اند یکی جوانان زیر ۱۰ سال دیگر افراد مسن. طبقه فعال آنها همانند سیل بطرف شهرها سرازیر هستند و بعلمت نداشتن تخصص جذب کارهای غیر تولیدی میشوند اگر برنامه ریزی کشاورزی بطریق صحیح عمل نشود که انشاءالله اینطور نخواهد شد. در سال‌های آینده سیل مهاجرت جوانان روستائی ادامه خواهد یافت و روستاهای ما با داشتن تعدادی افراد سالخورده به امان خدا رها خواهند شد کم‌اینکه تعدادی از آنها هم اکنون این چنین شده است و باین ترتیب هیچ روزنه‌ای برای خود کفایتی در بخش کشاورزی وجود نخواهد داشت و هم‌چنان بعنوان واردکننده محصولات کشاورزی بویژه محصولات غذایی باقی خواهیم ماند که زبان‌ها و خطراتش ناگفته آشکار است (صحیح است).

در برنامه دولت آمده بود که قیمت خریدگندم از کشاورزان تنی دوهزارریال افزایش یافت و از سال آینده این مبلغ یکهزارریال افزایش مییابد و به تنی ۱۰ هزارریال میرسد که این خود اقدام بسیار خوب و قابل تحسینی است و جای تشکر فراوان دارد. لازم میدانم در این رهگذر توجه دولت را به کشت چغندر قند که در استان خراسان بخصوص رایج است جلب نمایم. بعلمت پائین بودن نرخ خرید. بالا رفتن دستمزد کارگر، افزایش قیمت لوازم یدکی، نبودن تعمیرگاههای مجاز ماشین آلات کشاورزی در استان و از همه مهمتر تبدیل بعضی از مزارع زیر کشت چغندر به سایر فرآورده‌های کشاورزی خصوصاً محصولات جالیزی پیش‌بینی میشود که کشت چغندر قند در سال ۱۳۵۷ نسبت به سال ۱۳۵۶ حدود ۵۰ درصد کاهش داشته باشد و این خطر بزرگی است که بحران تعطیل حدود ۱۰ کارخانه قند با ظرفیت روزانه مجموعاً ۱۹۸۰ تن چغندر قند در سطح استان را تهدید میکند (صحیح است) امید است وزیر محترم کشاورزی در مورد تجدید نظر نرخ خرید چغندر قند و جلب رضایت

کشاورزان و تشویق آنان و جلوگیری از تعطیل احتمالی کارخانجات قند اقدامات مثبت و مؤثری بعمل آورند در امر بهداشت و درمان متأسفانه در این مورد غالباً صحبت از توسعه امور درمانی است و همیشه درباره کمبودهای درمانی گفتگو میشود ولی هیچگاه حرف از پیش‌گیری بیان نمی‌آید حال آنکه پیش‌گیری مهمتر از درمان است بروز و درمان هر بیماری کارخواه و پرهزینه است در حالیکه پیش‌بینی و پیش‌گیری با کار اندک موجب صرفه‌جویی در مصرف نیروی انسانی خواهد گردید. پیش‌گیری از بروز بیماری تا حدی که در توانائی پزشکی امروز است کار بسیار با ارزش پزشکی نوین محسوب میشود که به تندرستی هر چه بیشتر مردم کشور ما سودمند خواهد افتاد و به نسبت تأثیر خود از بروز بیماریها خواهد کاست پوشش درمانی گسترده‌ای که برای همه مردم کشور ما در نظر گرفته شده آرزوی دیرین این مردم و در واقع آرزوی همه ملت‌ها نیست که هنوز بدان دست نیافته‌اند این امید است که همه مردم ما از دیرباز داشته‌اند تا دیگر محدودیت‌های مالی، درمان یک بیمار را بفردا نیفکند و یا آنجا که نیاز به درمانهای تخصصی یا بیمارستانی باشد از بیم هزینه آن خانواده سرنوشت خود را بقضا و قدر نسپارد (صحیح است - احسن است). دسترسی به چنان بیمه گسترده‌ای که اندیشیده شده تا چند سال پیش خیالی بسیار دور مینمود ولی اکنون از پرتوی پروژیهایی بی دریغ کشور ما در زمینه‌های گوناگون چنین وعده‌ای بسیار نزدیک دست یافتنی شده است در این زمینه اقدامات همه جانبه‌ای تا کنون صورت گرفته ولی متأسفانه اکثر این اقدامات در جهت بیمه امراض محدود بوده و تلاشی عمده برای سلامت بعمل نیامده است من معتقدم که مردم باید از بیمه سلامت برخوردار باشند زیرا بیمه امراض که به طریق طب آزاد و حق‌العلاج عنوان شده است فقط افراد را در موقع بیماری مورد حمایت قرار میدهد و هیچ کوششی برای نگاهداری سلامت نمیکند سیستم بیمه امراض بیمار بودن و مصرف دارو را تشویق میکند به عبارت دیگر سلامت افراد را پس از زایل شدن به بدن باز میگرداند و تلاشی برای نگهداری سلامتی در بدن نمی‌نماید بخصوص که اگر در نظر داشته باشیم رشد سریع و پیشرفته کشور در همه شاخه‌های اقتصادی به پشوانه نیروی انسانی ما آورده است گسترش بیمه درمانی هم نیاز ما را به نیروهای پزشکی و ویراپزشکی بیشتر نموده دسترسی به خدمات پزشکی پس از گسترش بیمه‌ها از حالت یک خدمت بصورت یک حق برای مردم درآمد

پزشکی کشور باید آمادگی کافی برای ارائه این خدمات داشته باشد (صحیح است) در باره کمبود خدمات پزشکی از قبیل پزشک، درمان پزشک، دکتر داروساز، پرستار بیمار و معاینه معده بی بیمارستانی و غیره تا کنون صحبت نشده است. من به قطع با ارائه آبروی مربوط در این مورد کمبودی داده‌ام علاوه بر افزایش تعداد فارغ التحصیلان در دانشکده‌های پزشکی، تربیت نیروی سنی زوده باین تر از پزشک در کوتاه مدت اعتلای حرفه پزشکی حفظ حرمت پزشک در اجتماع، برقراری رباط معنوی و سالم بین بیمار و پزشک بر اساس تفاهم متقابل و خیلی مسائل دیگر باید در بازگشت و جذب حدود ... پزشک ایرانی مقیم در کشورهای خارج بهتر ترتیب که ممکن است اقدام کنیم و خود را از پزشکان وارداتی از کشورهای هندوستان، پاکستان، بنگلادش، فیلیپین و غیره بی نیاز کنیم. البته گفتی در این مورد زیاد است ولی بعلمت کمی وقت از ذکر جزئیات خودداری میکنیم. امیدوارم دولت جدید با داشتن فرصت کافی در رفع نارسائی‌ها و نابسامانی‌های بهداشتی و درمانی مملکت توفیق حاصل نماید. و به قدامت مثبت و مفیدی که در مدتی بسیار قلیل به نفع مردم برداشته‌ا‌داده دهد.

به اجرای عدم تمرکز در برنامه دولت توجه شده‌ا‌د و آن نام برده شده است. بطور کلی سیاست عدم تمرکز را باید عنوان کنید گشاینده بسیاری از معضلات نه تنها پایتخت بلکه تمام مملکت بطور جدی مورد توجه قرار داد و اینکه بعضی‌ها معتقدند به سبب کمبود نیروی انسانی کار آمد و مسئولان آگاه در همه سطوح نمیتوان سیاست عدم تمرکز را به معنای واقعی به اجراء آورد ولی به هر حال یک روزی باید این سیاست اجرا بشود چه روزی بهتر از امروز، هر چه زودتر بهتر. زیرا که عواقب متمرکز بودن کارها در درجه اول در تهران و در درجه دوم در مراکز استان اوضاع را چنان خواهد کرد که با هجوم مداوم ساکنان دیگر استانها به تهران و سایر شهرها به مراکز استان‌ها و همه بدتر هجوم روستائیان به شهرها روزی میرسد که تهران و شهرهای بزرگ آنچنان در تار و پود مشکلات ناشی از هجوم جمعیت که هم اکنون نیز با آن روبرو است گرفتار آید که رهائی از آن امکان پذیر نباشد باید از اهمیت اداری تهران بطور مرتب کاسته شود و بر اختیارات استانها و شهرستانها افزوده گردد. تادیکر بخصوص تهران سهمی بیش از آنچه به حق باید از بودجه عمومی مملکت ببرد به خود اختصاص ندهد و قطب

فریبنده‌ای برای مهاجرت مردم محسوب نشود و در عین حال کسانی که تمایل به ترک تهران دارند بدانند در استانها و شهرستانها امتیازی کمتر از تهران نخواهند داشت و برای انجام امورشان ناگزیر نیستند به تهران روی آورند. در سال اخیر بودجه مملکت حدود ۳ برابر افزایش یافته است باید نظامی برقرار شود که بتوان این بودجه به نحو مطلوبی خرج کرد و چنین نظامی نمیتواند متمرکز باشد زمانی میتوان چنین ادعائی را داشت که برنامه ریزی و برآورد اعتبارات از پائین شروع شود و در آن سطح هم به اجرا درآید. باید مسئولان محلی صاحب اندیشه باشند و خود برنامه ریزی کنند و به اجرا برسانند نه اینکه منتظر صدور اجازه از مرکز به نشینند. اگر دستور رسید که طرح را انجام دهید آنها اجرا کنند و اگر گفته شد که طرح را متوقف کنید آنها بدون هیچ بررسی کار را متوقف کنند.

بهر صورت یکی از اساسی ترین و مهمترین راه‌آورد‌های طرح عدم تمرکز افزودن امکان خلاقیت و ابتکار در تصمیم‌گیری است. مسئولان منطقه از آزادی‌های بیشتری برخوردار میشوند و بی‌گمان حسن مسئولیت و قدرت ابتکار آنها نیز افزایش مییابد و هرگز دچار انجماد ذهنی نخواهند شد این طرح هم چنین بر میزان وسیعی از کاغذ بازی و روابط اداری زائد جلوگیری خواهد کرد و اشکال مضر و کراسی را از جامعه دور میکند و ما را از شر پدیده نامطلوبی که دیوان‌سالاری نام دارد نجات میدهد (صحیح است) حالا نه تنها در تمرکز کارها در تهران موجب تنگناها و گرفتاریهای فوق‌العاده برای مردم شهرستانهاست بلکه خود مردم تهران نیز برای کوچکترین کار بروند در راهروهای عریض و طویل ادارات پرکار و پر حجم سرگردانند وقتی روزها سری به وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی از قبیل دادگستری، ثبت - شهرداری و دوائر مالیاتی بزنید میبینید صدها و هزاران مردمی که هریک نیازی دارند در کریدورها در راهروها پرسه میزنند و باین اطاق و آن اطاق میروند و سرانجام دست خالی باز میگردند برای آنکه امروز در این گونه ادارات گرفتن یک وقت دادرسی یا اخذ یک سند مالکیت یا استعلام و نقشه و ورقه تفکیکی یا ثبتی یا پروانه ساختمانی یا مفاصا حساب مالیاتی و حتی پرداخت مالیات و عوارض به آسانی میسر نیست و با اصطلاح معروف از هفت جوان رستم گذشتن است چرا که انجام هریک از این کارها با اشکال تراشی‌ها و معطلی‌ها و سرگردانی‌ها و با اعمال

با نارضائی‌ها توأم است. اینجاست که وظیفه خطیر دولت در پیاده کردن هدیه بزرگی که رهبر عالیقدر مملکت بعنوان انقلاب‌اداری ارزانی داشته‌اند آشکار میشود. واقعاً حیف است در این مرحله از زمان و در موقعیت فعلی کشور که راه برای پیشرفت دموکراسی هموار است دیوان‌سالاری مانع پیشرفت بیشتر و مشارکت عملی مردم در امور اجتماعی باشد.

هر پیشرفت و پس رفتی بی دلیل نیست. تا مسئولان و مدیران دستگاهی در تصمیم‌گیری و قبول مسئولیت و وظیفه شناسی نمونه نباشند از زیر دستان چه انتظاری میتوان داشت. حقیقت اینست که برخی از مسئولان و مدیران ما از مدیریت و قبول مسئولیت و کار دسته جمعی فقط بلند آدای آنرا در می‌آورند. من برداشتم و تخصص بسیاری از مدیران و رؤسای دوایر مختلف مملکتی تردید ندارم. هستند تعداد زیادی از آنها که دوره‌های تخصصی دیده‌اند و با آخرین روش‌های مدیریت آشنائی کامل دارند یا کسانی که طی سال‌ها کار و تجربه مدیران خوبی هستند اما چه کنند که درگیر نظام دیوان‌سالاری خشک و انعطاف ناپذیر ما گرفتار آمده‌اند نظامی که در آن رئیس بمعنی واقعی کلمه رئیس است. ریاستی اقتاد ناپذیر که هیچ منطقی راحتی اگر روشن‌تر از خورشید هم باشد قبول نمی‌کنند. آنقدر در پاکی و نظم دستگاه‌اداری تابع خودشان اصرار می‌نورزند که اگر حتی در حضورشان هم به مردم اجحاف شود آن را کمال عدل میدانند. در بسیاری از ادارات و سازمانهای ما اگر رئیس یا مدیری بخواهد کاری را انجام دهد بقول معروف شعر هم جلو دارش نیست. اول دستور اجرائیش را میدهد بعد مراتب را جهت اطلاع به قسمت‌های مربوط و آدم‌های مسئول آن ابلاغ میکند ولی وای به وقتی که نخواهد یا نتواند کاری را انجام دهد و جرئت قبول مسئولیتش را نداشته باشد آنوقت کار به کمیسیون‌سازی و کمیته‌بازی میکشد و آنقدر مسئله در جلسات بی‌ثمر صرف جای نوشیدن سیگار دود کردن، تسبیح گرداندن و جوک گفتن بام کمیسیون کش می‌آید تا روز زمان شاملش شود و اصل مطلب به بوته اجمال سپرده شود (صحیح است) البته در اصطلاح اداری این نوع کارها فوت و فن اداری یا ریاست نام دارد و بسیاری از مسئولان معتقدند هر مسئولی که بهتر چم و خم این فوت و فن‌ها را بداند موفق‌تر خواهد بود. راستی چرا باید وضع این چنین باشد؟ آن دستجاتی که این روزها مثل قارچ از زمین میرویند خود را دایه‌مهربان تراز مادر میدانند. دم از دین و مذهب

و قانون اساسی، مشروطیت و غیره و غیره میزنند. مدعی دیانت، انسانیت، آزادیخواهی، تقوی، فضیلت، وطن پرستی، شایستگی میباشند بجای خود قابل تحسین است و انتظار دارند یک شبه آزادی، امنیت، عدالت و رفاه آنها بطور مساوی بین همه قسمت شود سخت در اشتباهند البته همه اینها ممکن است انجام پذیر باشد ولی به این سرعت و زودی. محتاج وقت و زمان است باید این فرصت و مجال به دولت جدید داده شود چنانچه با گذشت زمان نتیجه دلخواه و مطلوب عاید نشد آن موقع است که باید مورد بازخواست قرار گیرد والا با هرج و مرج، آشوب و برادر کشی و راه انداختن حمام خون که مسلماً بدست دشمنان موجودیت ایران صورت میگیرد بجائی نخواهیم رسید.

بهر صورت دولتی جدید با سر شاهنشاه در موقعیتی حساس با برنامه‌ای برپا بر سر کار آمده مصمم است که اوضاع آشفته کنونی را آرام سازد. میگوید میخواهم به مردم آزادی و اختیار بدهم چنانکه داده است معتقد است مملکت باید بر اساس قانون اساسی اداره شود مدعی است که سیاست من و هدف من در درجه اول آشتی در سطح ملی است که شروع کرده‌است. اظهار داشته تعظیم به شعائر مذهبی و احترام قاطع به جامعه روحانیت و احکام اسلامی و محترم شمردن قانون اساسی نصب العین من است که نشان داده همین‌طور است قول داده مبارزه بی‌گیر مستمر همه‌جانبه را با فساد و فاسد و همه کسانی که از مقام خود سوء استفاده کرده به بیت‌المال دست‌درازی کرده بحدود دیگران تجاوز کرده‌اند ادامه دهد که عملاً ابتکار را کرده است و خیلی مسایل دیگر منصف باشیم و عاقلانه فکر کنیم منطقی باشیم. آیا ممکن است این دولت ویا هر دولت دیگری قادر باشد یک شبه آنها را در محیطی ناآرام به همه اهداف خود که با خواست مردم یکی است برسد؟! برنامه سنگین و جالب خود را که بحق برنامه کامل و جامعی است برق‌آسا پیاده نماید؟ در خاتمه توفیق روز افزون دولت جناب آقای مهندس شریف‌امامی را در خدمت بیشتر بیمین عزیز و برآوردن نیات والای شاهنشاه آریامهر از درگاه خداوند متعال مسئلت دارم (احسن)

رئیس - آقای دکتر واحدی تشریف بیاورید.

دکتر قدرت‌الله واحدی - بحث در برنامه دولت را با نام خدا آغاز می‌کنم، چرا که آخرین مرجع پس دادن حقیقتها. محکمه خداست و همه مردم جهان در هر طریقت و شریعت و در هر سیستم حکومتی، به این مبدا

عالم وجود اعتقاد دارند آغاز بحث با نام بزرگ خداوند عالم، تأکیدی است بر صداقت من در گفتارم و اینکه آنچه میگویم براساس اعتقادات من و ایمان بی تردید من است کما اینکه بهنگام بحث در برنامه دولتهای قبل نیز با همین روحیه و با همین درک و احساس مسؤولیت در موضع نمایندگی مردم بشهادت صورت مذاکرات جلسات مجلس همیشه حرفهایم را زدم و در مقام انجام وظایف خطیر نمایندگی مردم تذکرات لازم را به دولتهای وقت دادم که ضمن بحث در برنامه دولت آقای شریف امامی هر مورد که لازم باشد به سوابق امر نیز اشاره خواهم کرد. برنامه دولت جناب آقای شریف امامی را به دقت خواندم و در آنچه که بعلمت حساسیت امر و بخصوص مواردی که مربوط به بحثها و تذکرات قبلی من بدولتهای وقت بوده، با اکتانام فرصت به بحث و بررسی و استنتاج میریزم. (احسنت)

۱- موضوع کشاورزی

در برنامه دولت به کشاورزی بعنوان مهمترین برنامه اشاره شده است و با تأکید فراوان من به اقتضای حوزه انتخابیهام که شهرستان بابل از استان مازندران میباشد و منطقهای است کشاورزی لذا هم در موقع بحث در بودجه دولت آقای هویدا و هم در هنگام بحث در برنامه دولت آقای آموزگار توجه دادم که کشاورزان شمال بعلمت عدم حمایت از سوی دولت در کمال دلسردی برور دست از کشت و زرع می کشند و جذب بازار کار در شهرها میشوند، در همین مجلس طی طرح سوالی از دولت پرسیده ام که به چه دلیل با وجود اینکه از ۹۰ هزار تن برنج تولید داخلی حدود ۹۰۰ هزار تن آترا استانهای گیلان و مازندران تولید می کنند مع هذا در این دو استان سیل برنج خارجی روانه کرده اند و بسا بازار شمال را از برنج های وارداتی اشباع نموده اند؟ که نتیجه آن توضیح نماینده دولت و قانع نشدن من بود، به کمیسیون رسیدگی به سؤالات رفتم و بالاخره دولت تعهد کرد که پیشنهادات مرا مبنی بر جلوگیری از توزیع برنج خارجی در منطقه شمال - تضمین خرید برنج شمال و جلوگیری از بورش شرخرها و واسطه ها به دهاست مرحله عمل و اجراء در آورد که باید این تعهد امسال عملی شود و از دولت مصرأ درخواست می کنم که با فعال کردن شرکتهای تعاونی نسبت به خرید بموقع محصول کشاورزی اقدام و نگذارد مثل سالهای قبل دلالتها و شرخرها دسترنج کشاورزان را بعلمت عدم حمایت دولت و نیاز کشاورزان

به پول، به قیمت بخش و ناچیز بخزند.

قاسم زاده - اسسال یک میلیون و دویست هزارتن برنج داریم

دکتر واحدی - انشاء الله مبارک است، جناب آقای نخست وزیر متأسفانه موردی از نابودی محصول کشاورزان منطقه ای از حوزه انتخابیه ام پیش آمد که نیازمند کمک و مساعدت دولت بودند و با وجود مکاتبات متعدد هنوز به نتیجه نرسیده است. موضوع چنین است که اهالی یکی از روستاهای فریدونکنار طی نامه ای در خردادماه اسسال به اینجانب اعلام داشتند که بعلمت نزول باران فراوان و سیل آسا شالیزارهای روستا غرق در آب شده و شالی ها تماماً پوسیده و ازین رفته اند و کشاورزان مذکور در این شرایط نیازمند مساعدت دولت بودند تا بتوانند از آن محل برای گذراندن زندگی خود آماده شدن برای کشت بعدی استفاده نمایند. نامه آنان را در تاریخ ۳/۳/۵۷ به وزارت کشاورزی فرستادم و حدود ۲ ماه بعد یعنی در ۲۶/۵/۵۷ پاسخی واصل شده که موجب نهایت شرمندگی و تأسف است به این شرح: ... از طریق سازمان مرکزی تعاون روستایی به سازمان تعاون روستایی شهرستان بابل دستور داده شد که تقاضای آقای علی شفیع پور زارع فریدونکنار را مورد رسیدگی قرار داده و برطبق مقررات کمکهای اعتباری لازم را معمول و همچنین از لحاظ کمکهای بلاعوض براساس مقررات صندوق امداد روستائیان مبلغ قابل پرداخت را در جلسه هیئت امداد روستائیان شهرستان مطرح و پس از تصویب، مدارک لازم را به مرکز ارسال دارند. تا اقدامات بعدی به موقع صورت گیرد. ملاحظه میشود که اولاً تقاضا مربوط به روستائیان یک محل بوده نه یک نفر زارع که در نامه جوابیه وزارت کشاورزی چنین آمده است ثانیاً پس از ماه تازه جواب داده اند که به سازمان تعاون روستایی بابل دستور داده شد نسبت به تقاضا رسیدگی کنند و در خصوص کمکهای بلاعوض هم طبق مقررات موضوع را در جلسه امداد روستائیان شهرستان مطرح کند و تازه اگر تصویب کردند با مدارک لازم موضوع را بمرکز اعلام دارند تا اقدامات بعدی صورت گیرد این واقعاً مسخره است. یعنی تا از وزارت کشاورزی به سازمان تعاون کشاورزی بابل اعلام شود که بموضوع رسیدگی کنند ۲ ماه طول کشیده آنوقت بدیهی است طی آنهمه مراحل که فوقاً اشاره شد بیش از یکسال بطول خواهد انجامید و بقول معروف تا تریاق از عراق آید مارگزیده مرده باشد و من واقعاً

متأسفم که آقای منصور معاون وزارت کشاورزی چطور این نامه را که در واقع مصداق آشکار قرطاس بازی و از سرخود باز کردن است امضاء نموده اند، حمایت واقعی از کشاورزی که جزء اصلی و اساسی آن حمایت از کشاورز است ایجاب و الزام می کرد که بلافاصله تلگرافی به مدیرکل کشاورزی مازندران دستور میدادند ظرف حداکثر یک هفته بمورد رسیدگی و کشاورزان از هستی ساقط شده را که خوشبختانه حدود ۳۰ خانوار بیشتر نبودند تحت حمایت قرار میدادند تا با دلگرمی و امید بیشتر به کشت بهتر برای آینده همت گمارند نه اینکه شاهد بی احساس مسئولیت، نابودی و اضمحلال زندگی آنان باشیم حمایت از کشاورزی نباید روی کاغذ باشد چرا که در برنامه دولتهای قبل هم بود و شاید با انشاء بهتر و جاذب تر ولی در عمل نمونه اش این است که اشاره کردم و آن بی توجهی مطلق از وزیر گرفته تا معاون و مدیرکل - کشاورزی استان و رده های پائین تر، چرا که از خرداد تا الان که نزدیک سه ماه است نتوانستند ویا نتخواستند به ۳۰ خانوار کشاورز از هستی ساقط شده، برای ادامه حیات و در همین حد، مساعدت کند تا بتوانند خود را برای کشت بعدی آماده نمایند.

در همین مجلس به دولت وقت در ۲ سال قبل گفتم و در صورت مذاکرات مجلس نیز مضبوط است که وام کشاورزی را متأسفانه به کسانی میدهند که نه کشاورز هستند و نه زمین کشاورزی دارند و وام دانداری را به کسی میدهند که نه دام دارد است و نه دام دارد و امروز می بینیم که در اثر بی توجهی به آن تذکرات مصداق آشکار آن تذکر پیدا شد که مفت خوری میلیاردر شد و کشاورزی مملکت در مرحله ی پر مخاطره ای قرار گرفت که از سیب و پرتقال گرفته تا حبوبات و برنج و گندم را باید از خارج بیاورند و دامداری ما هم وضعی چنین دارد. واقعاً مصیبت نیست که ما در ۱۲ سال قبل تنها ۹ هزار تن کمبود برنج داشتیم و امروز ۵۰۰ هزارتن! **قاسم زاده** - آقا درست نیست تولید خیلی بیشتر است

دکتر واحدی - باین توضیح که مصرف سالانه برنج در آن زمان ۶۴۹ هزارتن بوده و امروز بعلمت از زیاد جمعیت طی ۱۲ سال پیشرفت های اقتصادی سالهای اخیر این مصرف به یک میلیون و پانصد هزارتن رسیده است اما آیا با اینهنه امکانات و اینهنه بوق و کمرنای حمایت از کشاورزی، نمی باید لااقل معادل میزان مصرف تولید می داشتیم؟ یعنی در وضع ۱۲

سال قبل میبودیم؟ بنابراین جناب آقای شریف امامی دولت شما که رسالت آشتی ملی دارد باید صداقت در گفتار را با صداقت در کردار توأمأ به ملت ایران عرضه دارد تا باور و اعتماد سلب شده مردم از دولت اعاده گردد. وقتی پای ارقام به میان آید، رکود و گناه عقب گرد، در زمینه ی تولیدات کشاورزی و مواد غذایی بنحو روشن تری تجلی پیدا میکند و خشم هریرانی وطن پرستی را علیه مسئولان بی ایمان و وظیفه ناشناس و سوداگر وزارت کشاورزی بیش از پیش برمی انگیزاند. میزان تولید گندم در سال ۱۳۵۶-۵/۵۱۷/۰۰۰ تن بوده و نسبت به تولید سال قبل یعنی سال ۱۳۵۵-۸/۰ درصد کاهش یافت. میزان تولید جو در سال ۱۳۵۶-۱/۲۳۰/۰۰۰ تن بوده که نسبت به سال ۱۳۵۵-۱۸٪ کاهش داشته است.

تولید حبوبات در سال ۱۳۵۶-۱۸۸/۰۰۰ تن بوده که نسبت به سال ۱۳۵۵-۱۸/۲٪ کاهش داشته است.

تولید پسته در سال ۱۳۵۶-۲۷۰۰۰ تن بوده که نسبت به سال ۱۳۵۵-۳۷/۲٪ کاهش داشته است.

ذکر این ارقام از برای اثبات نه تنها توقف در امر کشاورزی ایران، بلکه عقب گرد در این زمینه کافی است و اشاره به موردی دیگر که مربوط به تولید مرکبات است از جهتی دیگر بحث انگیز و بیغرض آور است تنها تولید افزوده ای که در سال ۱۳۵۶ نسبت به سال ۱۳۵۵ داشتیم در زمینه مرکبات بود که از رشد فوق العاده چشمگیری ۶۱/۶ درصد نسبت به تولید ۲۳۷/۰۰۰ تن در سال ۱۳۵۵، برخوردار بوده است اما آیا این تولید افزوده موجبات بهبود زندگی تولید کننده این محصول و رفاه خریدار ایرانی شده است پاسخ در هر دو زمینه منفی است. زیرا سوء مدیریت و سوء استفاده فراوان دست اندر کاران موجب شد که هم از تولید کننده برطبق معمول ارزان بخرند، یعنی بواسطه عدم خرید بموقع این محصول از سوی دولت و تعاونیها، بناچار از ترس پوسیدن و فساد این محصول، باغداران شمال دسترنج خود را حتی به قیمت کیلویی ۱۰ ریال فروخته و حدود ۱۱ میلیارد ریال ضرر متوجه آنان گردید (صحیح است) اما از طرفی این ارزانی بی اندازه بهیچوجه عاید مصرف کننده نشد و کمبود مرکبات که بنحو مصنوعی ایجاد شده بود موجب گرانی سرسام آور پرتقال شد تا آنجا که پرتقال در بازار فروش به قیمت کیلویی ۱۴ تومان در شب عید عرضه شد و من

در خصوص این سوء مدیریت و سوء استفاده در جلسه ۲۸ اسفند ۳۵۶ در همین مجلس به دولت تذکر دادم و لزوم قطع دست واسطه‌ها را در بار اقتصاد ایران و بخصوص در زمینه محصولات کشاورزی یادآور شدم. (صحیح است)

اکنون امیدارم آنچه به دولت شما تذکر میدهم، جناب آقای شریف امامی، به سرنوشت گفته‌ها و تذکرات قبلی من دچار نشود. اگر دولت شما به کشاورزی ایران اولویت داده است و اولویت ممتاز، در عمل از این اولویت سوء استفاده نشود آنچنان که در گذشته شد، این اولویت بدان معنی تعبیر نشود که با اعطای وام‌های کلان به مشتی افراد سودجوی بی‌انصاف و حتی بی‌وجدان موجب شود که زمین ازید کشاورز ایرانی خارج شده و به عبارت روشن تر از حیظه کشت و زرع خارج شده و وام‌های کشاورزی با بهره کم موجب پرشدن جیب آن سودجویان فرصت طلب زدو بندچی مشبث گردد. جناب آقای شریف امامی بنام نماینده مردم از شما مصرأً میخواهم که در اعطای وام‌های کشاورزی و دامداری آنچنان صحیح و بادقت و بخصوص با کنترل عمل شود که دیگر در جامعه‌ی ایرانی شاهد تولد آنکاپون کشاورزی و دامداری دیگری که از خون اقتصاد ایران تغذیه کرده بود نباشیم، مانه آنکاپون کشاورزی و دامداری میخواهیم و نه آنکاپون صنعتی (احسن است) و من در بخش دیگری از سخنانم که مربوط به فساد اداری است تأکید خواهم کرد که با مجازات شدید و سریع و بلا اغماض این چند آنکاپون صنعت و کشاورزی ایران و حامیانشان که موجب بغض مردم شده‌اند و از علل بی‌تردیدی قهر مردم هستند، و مصادره اموالشان به نفع ملت، برای همیشه شر آنها را از سر ملت ایران کوتاه کنید و باب آشتی ملی را از درجه زندان این آنکاپونهای وطنی بسوی مردم باز کنید، مطمئن باشید که در آتش، این دستهای ملت ایران است که به نشانه دوستی و تجدید عهد بسوی شما دراز خواهد شد.

۲ - آموزش پیش از دبستان که متأسفانه در برنامه دولت بهیچوجه اشاره‌ای به آن نشده است نیاز اساسی کودکان ایرانی به آموزش و بخصوص پرورش بیش از هر زمان امروز باید مورد توجه باشد و در این زمینه در سال ۱۳۵۴ یعنی در ماههای اول انجام وظیفه در مقام نمایندگی مردم در مجلس شورایی ملی به دولت وقت توجه دادم که کودک از زمانی که حرف میزند یعنی نشان میدهد که آماده یادگیری است آموزش و پرورش او حتی است مسلم برای او و تکلیف قطعی و مختم است

برای دولت چرا که کودک قبل از اینکه به محیط خانواده‌اش وابسته باشد متعلق به جامعه بزرگ کشور است. با توجه به اینکه پدران و مادران در فعالیت‌های اداری یا آموزش در خارج از خانه اشتغال دارند لزوماً ایجاب می‌کند که دولت وظایف آنها را در خصوص آموزش و پرورش کودک در مراکز اجتماعی به عهده گیرد. (صحیح است)

۳ - صرفه‌جویی و جلوگیری از اسراف
تجمل‌گرانی و صرف هزینه‌های بیمورد در سازمانهای اداری کشور که در سالهای اخیر به اوج رسیده مورد حساس دیگری از ناراضی تراشی بوده و مردم را بستوه آورده است (احسن است) اما باید توجه داشت که صرفه‌جویی و جلوگیری از اسراف تنها در این محدوده که سیزمیل و چهل چراغ برای دفتر کار بلندپایگان نخرند خلاصه نمیشود، بلکه باید از این واژه یک مفهوم عام و گسترده را بخاطر داشت که عبارت دیگر میتوان از آن به استفاده معقول و متعادل منابع کشور یاد کرد و در این مفهوم وسیع و گسترده است که صرفه‌جویی شامل خرید وسایل و لوازم لوکس و تجملی تا بهره‌گیری از امکانات و خدمات رفاهی در مملکت میشود (صحیح است) به عبارت ساده‌تر در توزیع منابع دیگر کشور نیز باید عدالت اجتماعی رعایت گردد، اگر مملکت در نهایت درجه امکانات هست باید این امکانات بنحو عادلانه بین همه افراد ملت توزیع شود نه اینکه در یک سازمان اداری یا در یک منطقه نهایت امکانات داده شود و در سازمان دیگر یا محیط زیست دیگر مردم از اولی‌ترین وسیله زندگی محروم باشند، همین امر موجب اصلی ایجاد بغض و عدم رضایت مردم میشود. و اگر مملکت امکانات محدود دارد باز هم اگر همین امکانات محدود بدون تبعیض و ترجیح بلا مرجح بین کارکنان دولت و سایر افراد ملت بنحو عادلانه توزیع گردد باز هم هیچ مشکل اجتماعی که به عدم رضایت منجر شود نخواهیم داشت و در این زمینه دولت باید بعنوان یک قدرت داخلی مافوق هر قدرتی بوظایف قانونی خویش بی‌اغماض عمل کند (صحیح است) در این راه بدهی است که نمایندگان مردم در مجلسین باید وظیفه حساس و خطیر خود را مبنی بر اعلام موارد اسراف و تبذیر و توزیع غیرعادلانه امکانات مملکتی بموقع به دولت تذکر دهند و در انجام این وظیفه، در تاریخ ۱۳/۳/۵۷ طی نامه مفصلی ضمن تأکید بر توزیع عادلانه امکانات مملکتی و جلوگیری از اسراف در موردی و فشار و تحمیل محرومیت

در موارد دیگر به مردم، به آقای دکتر آموزگار اعلام داشتیم که در سفری که به اهواز و آبادان نمودم متوجه شدم که با اینکه بعلت صرفه‌جویی در مصرف برق وقت عادی را تغییر داده‌اند و گاه در تابستان بعلت مصرف بیش از حد معمول، یکی دو ساعت برق منازل قطع میشود، متأسفانه در مناطق مسکونی کارکنان صنعت نفت تنها هیچگاه خاموشی ندارند و در این صرفه‌جویی ملی شرکت نمی‌کنند بلکه با اسراف و تبذیر به این محرومیت مردم دهن کجی نیز می‌نمایند چرا که حتی در روزچراغهای حیاط و اطراف ساختمانهای مسکونی آنان از کارمند عالی رتبه گرفته تا کارگران شرکت، روشن بوده و بطوریکه تحقیق کردم کارکنان مذکور لامپهای محل مسکونی خود را هیچگاه خاموش نگه نمیدارند و از کلیه برق استفاده نمی‌نمایند، آنها وقتی لامپ سوخت و از کار افتاد، کلید برق را برای خاموشی در فاصله گرفتن لامپ سوخته و نصب لامپ جدید مورد استفاده قرار میدهند! در آن نامه من تذکر دادم که این نوع توزیع امکانات رفاهی با عدالت اجتماعی تطبیق نمی‌کند و موجب بغض و ناراضی مردم بخصوص در این منطقه حساس مرزی میشود و خواستار اقدام سریع دولت در این زمینه شدم. آنروزم در کمال مصلحت اندیشی و با قصد کمک به دولت در صمیمانه‌ترین شکل ممکن به طرح این موضوع مهم پرداختم و چون نتیجه‌ای نگرفتم لذا در این جلسه بنابه وظیفه‌ای که من حیث نمایندگی مردم دارم به طرح مجدد آن میپردازم.

دانشی - یکسال من دنبال این کار دویدم.
دکتر واحدی - بله، موردی است از عناد و لجاجی که دولتها داشتند، پاسخ واصله از وزارت نیرو که از طریق نخست‌وزیری برای من فرستاده شده چنین است:
«شرکت ملی نفت ایران برق را به صورت یکجا از سازمان مذکور خریداری می‌نماید و تاکنون مذاکرات زیادی با اولیاء مسؤول شرکت در منطقه در زمینه صرفه‌جویی انجام پذیرفته و مجدداً طی همین شماره از شرکت ملی نفت ایران درخواست گردید که ترتیبی بدهند تا بهنگام روز چراغهای محل مسکونی کارکنان صنعت نفت در آبادان و اهواز روشن نگردد و همکاری و مساعدت لازم را در انجام امر صرفه‌جویی معمول نمایند» ملاحظه میشود که ظاهراً چون شرکت نفت برق را یکجا می‌خرد بنابراین میتواند تا حد اسراف آن را مصرف نماید و وزارت نیرو یعنی دولت فقط میتواند توصیه کند که این چنین تا حد اسراف برق را مصرف نمایند. من نمیدانم شرکت

نفت برق را از کدام پول و کدام منبع مالی می‌خرد که حق دارد هرطور دلش خواست و تا حد اسراف مصرف کند؟ مگر نه این است که بودجه شرکت نفت هم از خزانه دولت تأمین میشود و مگر نه اینست که کارکنان صنعت نفت هم مثل سایر کارکنان دولت، عضو جامعه ایرانی هستند و باید در استفاده از امکانات دولت مانند آنان بر اساس عدالت برخوردار شوند و خلاصه بحث آنکه چون دولت شما جناب آقای شریف امامی بعنوان دولت آشتی ملی رسالت مهمی در رفع ناراضی‌تایبها عهده دارد خواستم بار دیگر با ذکر این مورد آشکار توجه دهم که اگر شما ضحجتاً صرفه‌جویی و جلوگیری از اسراف می‌کنید به سرنوشت صرفه‌جویی‌های بشر فوق دچار نشود که در واقع بجای اینکه موجب رفع تبعیض و عدم رضایت‌ها شود، با تحمیل صرفه‌جویی به گروهی از مردم اسراف و تبذیر گروه دیگر بیانجامد.

۴ - مبارزه با فساد و فاسد
اساس ناراضی عمومی بدون تردید در فساد ریشه‌دار و عمیقی است که سازمانهای اداری ما را در کام خود بلعیده است. هر دولتی که آمد موضوع مبارزه با فساد را در سرلوحه برنامه خود قرارداد و چون هیچکدام در این زمینه توفیق نیافتند در نتیجه اکنون مردم ایران باناباوری به اجرا و تحقق این برنامه کارساز می‌نگرند. آنچه مردم می‌گویند بهترین محک ارزشیابی کارهای انجام شده دولتها در زمینه مبارزه با فساد است آنها بعنوان جوکو لطیفه میگویند وقتی به ادارات می‌روید به مسئول امر بگویند که خرج مبارزه با فسادش را هم میدهم! و بدینگونه است که یک برنامه اصولی و حساس بعلت عدم اجراء و تحقق بصورت مسخ شده‌ای دهن بدهن می‌گردد و باور مردم به اصلاحات را به ناباوری و از سر درد، مردم را به جوک ساختن و لطیفه پرداختن وامیدارد (صحیح است)

در این شرایط ناراضی و سرخوردگی مردم از دروغها و اینکه مردم امیدوار شده پس از اعلام برنامه عظیم مبارزه با فساد در سالهای قبل، شاهد اشاعه بیش از پیش فساد در سازمانهای اداری کشور بودند و در ناباوری مطلق در زمینه‌ی تحقق این برنامه کارساز و اصولی بسر می‌برند، در این شرایط حساس، شما جناب آقای شریف امامی تنها با عمل آنهم قاطع، سریع و بلاغماض میتوانید اعتماد سلب شده مردم را به باور و یقین به اصلاحات مبدل کنید، در این شرایط بحرانی تنها آغاز کار مبارزه با فساد از طریق مبارزه با فاسد است که

میتواند آبهای رفته را به جوی بازگرداند و موجب اعاده اعتمادسلب شده مردم گردد اکنون حسابرس دارائی مقامات حساس بعنوان یک ضرورت محتوم مورد نیاز عاطفی مردم است تا آنها که از بی نامی به نام رسیده اند و پشت میزهای خدمت به مملکت خیانت کردند به سزای اعمالشان برسند من در این جلسه حساس به دو مورد سوء استفاده مستند در دو سازمان اشاره می کنم از دولت میخواهم که در این روزها که ملت ایران تشنه مجازات نجاوزان به حقوق عمومی است نسبت به این موارد با اقدامی همراهم با خصایص سرعت - قاطعیت و بلااعماض بودن حسن نیت و قدرت خدمت گذاری خود را بمنصه ظهور و ثبوت رساند (صحیح است)

سوء استفاده رئیس سابق اتاق اصناف پایتخت

رسول رحیمی رئیس سابق اتاق اصناف پایتخت که در عین حال مدیرعامل سازمان چاپ و نشر کتابهای درسی ایران بوده بموجب حسابرسی که مؤسسه حسابرسی امین انجام داده است در تاریخ ۶/۳/۸۰ زمین به مساحت پنج هزار متر مربع در کیلومتر ۱۰ کرج به منظور واگذاری به سازمان چاپ و نشر کتابهای درسی ایران به مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال خریداری نموده است و سند انتقال زمین نیز تا پایان سال ۱۳۵۶ صادر نشده است. این مطلب تقریباً عین مندرجات صفحه چهارم گزارش حسابرسی امین است که در تیرماه سال جاری تهیه شده است ملاحظه بفرمائید بابت ۵۰۰ متر مربع زمین در کیلومتر ۱۰ جاده کرج ۱۰۰ میلیون ریال پرداخت شده است یعنی متری ۳۰۰۰۰۰ ریال در صورتیکه حسب تحقیقی که نموده ام در کیلومتر ۱۰ کرج زمین از قرار متری ۱۵۰ الی ۲۰۰ تومان فروش میرسد. مسائلی که در این قضیه تاراج و هشتتاک و بی بیم و ترس اموال عمومی مطرح است از این قرار است:

۱ - چطور در شرایطی که قانون تثبیت بهای زمین از مجلس گذشته و بموجب آن حتی در قلب پایتخت شاید زمین متری ۳۰۰۰۰۰ ریال را نمیتوان قانوناً معامله نمود چگونه در یک معامله دولتی (چون تمام پول زمین از بودجه دولت واز محل یک میلیارد وام بدون بهره ای که وزارت آموزش و پرورش در اختیار شرکت مذکور گذارده پرداخت شده است) زمین را متری ۳۰۰۰۰۰ ریال خریده اند و در اسناد تنظیمی بهای زمین را چه مبلغ نوشته اند.

۲ - آیا پس از پایان سال گذشته سند انتقال اصولاً تنظیم شده است چون طبق گزارش مؤسسه حسابرسی امین

تا پایان سال ۱۳۵۶ سند انتقال صادر نشده است ۳ - اصولاً رئیس اتاق اصناف پایتخت به چه دلیل رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل سازمان چاپ و نشر کتابهای درسی شده بود؟ مگر در مملکت قحط الرجال تا این حد شده است که یک آدم باسواد دیپلم متوسطه و موقعیت اداری قبل از انتصاب به ریاست اتاق اصناف در مقام سرپرست میدان میوه و تره بار در سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل یک شرکت نیز قرار گیرد که ۱۰۰ میلیون تومان وام بدون بهره دولت را در اختیار داشته و از این محل زمینی در کیلومتر ۱۰ کرج را به متری ۳۰۰۰۰ تومان خریده است و هرگاه این مسأله از دیدگاه تیزبین وزیر دادگستری بررسی شود که به درایت و کفایتش سخت معتقد هستم هزاران هزار نکته باریکتر از موی پند خواهد شد.

جناب دکتر باهری، دادگستری مآکه در مورد یک اتهام معمول توهین یک رئیس انجمن شهرستان به یک عضو انجمن در مدت کوتاهی با سرعت و شتاب حکم تعلیق صادر میکند و ظرف ۲ روز از تهران از کاخ دادگستری به وزارت کشور و وزارت کشور به استانداری و از استانداری به فرمانداری و بالاخره به متهم ابلاغ میشود، چطور در برابر اینهمه بیادوستی و بی جاوال اموال عمومی سکوت و آنهم سکوت و قوف دارید؟

مورد فوق یک مورد سوء استفاده بدون تردید و یک دزدی متهورانه و بی باکانه است و یک تجاوز آشکار به خزانه دولت و من ضمن اینکه نسخه ای از گزارش مؤسسه حسابرسی امین را در همین جلسه به آقای دکتر باهری وزیر دادگستری میدهم که بعنوان مدرک این اعلام جرم در اختیار دادگاه قرار دهند خود را ناگزیر میدانم که گذشته از این یک مورد بعنوان مشتی از خوارسوء استفاده مال به یک مورد دیگر از اقدامات ناراضی تراشی و دشمن ساز برای مملکت از سوی این آقای رحیمی را در زمان تصدی اتاق اصناف پایتخت نقل نمایم آن مطلب هم مستند است و مدرک مزبور را نیز عیناً در اختیار جناب دکتر باهری قرار میدهم. بموجب نامه شماره ۱۰۵۲۶ ۳۶/۱۱/۱۱ از اجرائیات اتاق اصناف پایتخت به معاونت مالی و اداری اتاق اصناف مینویسند که همانطور که استحضار دارند جهت جلب متصدیان واحدهای صنفی و تحویل آنان به ندامتگاه غالباً دستبند فلزی مورد نیاز است که با احتساب تعداد مأمورین در شعب دادگاهها حداقل تأمین ۳۰ زوج ضرورت دارد علیهذا

متمنی است دستور فرمایند در این مورد اقدامات لازم معمول و نتیجه را اعلام دارند. من هم وقتی این نامه را خواندم مثل شما که این مطلب را می شنوید غرق در حیرت شدم، اتاق اصناف پایتخت، سازمانی دارد که افراد صنفی را دستبند می زند؟ آیا گران فروش (بر فرض صحت این امر) در حد آدم کشی است؟ آیا خوار و بار فروشی که مثلاً برچسب قیمت را بروی جنس نصب نکرده در حد یک جانی خطرناک است که باید برای جلوگیری از فرار او، وی را دستبند بزنند؟ آیا اصولاً این رفتار موهن با کاسب که از قدیم الایام به حبیب الله معروف بوده و کسب و پیشه نزد ایرانیان همیشه از یک تقدس و احترام خاص برخوردار بوده موافق با افکار و عقاید مردم ایران است؟ آیا این عمل یعنی تضعیف حرمت و شرف یک فرد صنفی که او را دستبند بزنند مثل یک قاتل، مثل یک آدم کش، او را به صف مقدم ناراضیان نمی کشاند؟

بله جناب آقای نخست وزیر اینها و امثال این مقامات بودند که خیل عظیم ناراضی ها را برای مملکت بوجود آورده اند و اکنون که دولت شما با رسالت آشتی ملی آمده است باید دست بند که سهل است قلاده به گردن این خائنین بیندازد و آنان را بسزای اعمالشان برساند، آشتی با مردم تنها در اینصورت مقدور است.

و اما مورد دیگر - سوء استفاده در سازمان مسکن سازمان مسکن طرحی بنام طرح قنات کوثر تهیه کرده بود که با هزینه سازمان مذکور یک میلیون متر زمین که در منطقه تهران پارس واقع است را خریداری و پروژه خانه سازی در آنجا پیاده نمایند. بدین منظور اراضی را که با پول کارمندان بازنشسته شرکت نفت خریداری شده بود و در اختیار شرکت تعاونی آنان بود از طریق دولت بعنوان اراضی مورد نیاز برای اجرای طرح های ساختمانی، تملک نموده تا زمانی که زمین در اختیار شرکت تعاونی کارکنان نفت بود بعلت آنکه در خارج از محدوده واقع بود با وجود اینکه حدود ۱۰ میلیون تومان هزینه تسطیح و قطعه بندی آن شده بود شهرداری اجازه خانه سازی نمیداد. پس از تملک زمینهای فوق بوسیله سازمان مسکن اجازه خانه سازی برای این اراضی صادر شد و نکته مربوط به سوء استفاده کلان آنکه این زمینها در اختیار یک شرکت خارجی قرار گرفت و شرکت مذکور شروع کرده پیش فروش کردن خانه هایی که

باید بعداً بسازد. مدیرعامل وقت سازمان مسکن که قرارداد واگذاری اراضی را با آن شرکت خارجی امضاء کرد پس از امضاء قرارداد به استخدام آن شرکت خارجی با سمت مدیرعامل درآمد و سازمان مسکن وقت و الان در همان شرکت با همان سمت مدیرعامل مشغول کار است، آیا این آقای مدیرعامل (اردشیر آذربی) در موقع تنظیم قرارداد، منافع ایران را درست مدیریت عامل سازمان مسکن ملحوظ نظر داشته بود یا منافع آن شرکت خارجی را که بعد از عقد قرارداد مدیرعامل آن شرکت شد؟ کدام را، منطقاً منافع شرکت خارجی را و این چنین است که هزاران خانواده، زمین خسود را از دست میدهند ولی یک شرکت خارجی به میلیاردها سود باد آورده با دست دلالها و واسطه ها میرسد. شرکت مذکور هم نه اینکه در مسیر خدمت به مردم بی مسکن باشد، چرا که ساختمان را با تأسیسات حدود متری ۵۰۰۰ تومان میفروشد، این کجایش به مسکن برای مسکین می انجامد؟ تصورش را بکنید، زمین را که هزاران خانواده ایرانی از محل پس اندازهای خود خریده بودند بعنوان اراضی مورد نیاز دولت به قیمت ناچیزی که هرگز معادل قیمت واقعی آن نبوده، از دستشان خارج کردند و بعد دودستی تقدیم یک شرکت خارجی نمودند، آیا گذشته از جنبه سوء استفاده ای که بدلائل یادشده فوق در واگذاری این اراضی به شرکت خارجی شده است و بهترین دلیل آن اینکه مدیرعامل سازمان مسکن بلافاصله بعد از تصویب شرکت خارجی طرف قرار داد منصوب شد، این خارج کردن اراضی از دست مشتی کارمندان بازنشسته، موجب عدم رضایت آنان و اعضای خانواده آنها نخواهد شد. من در اینجا ضمن اینکه از دولت تقاضای تعقیب و مجازات عامل یا عاملین این قرارداد صد درصد به ضرر ملت ایران را دارم، از جناب آقای شریف اسامی مصرأ در خواست میکنم که برای جلب رضایت این گروه عظیم دستور استرداد از زمینهایشان را صادر فرمایند و بدینوسیله در دوستی و مهربانی را بسوی این گروه عظیم باز نمایند. دولت شما اگر در گفتارش صادق است باید به آنچه نمایندگان مجلس بعنوان برگزیدگان مردم از نارسائیا و بخصوص سوء رفتار و سوء استفاده مأمورین دولت میگویند، توجه خاص نماید و بداند که نماینده مجلس در مقابل مردم احساس مسئولیت دارد، اگر یک مدیر کل یا معاون وزیر خود را در مقابل یک وزیر مسئول میدانم چرا که عزل و نصب او با وزیر است هر نماینده، مجلس خود را در برابر ۱۰۰ هزار نفر مردم

حوزه انتخابیه اش مسئول میدانند و باید به آنها حساب خدمت و یا خدای نکرده کم کاریش را پس بدهد.

صادقانه بگویم آنچه نمایندگان مجلس در این زمینه ها به دولت می گفتند همیشه با کاردگرفتن دولتها مواجه میشدند دولت در اجرای این سیاست که مردم را نباید به حساب آورد، به گفته ها و اعلامات نمایندگان مردم نیز توجهی نمی کردند، آنها یعنی دولتها در هر سطحی چون مجری این سیاست بودند با عناد و لجاج در برابر تذکرات قانونی نمایندگان مردم ایستادگی می کردند. در خط مشی قرون وسطائی دولتهای پیشین دولت سالاری مطلق رویه ای متحولی بود که مملکت را با آسیب پذیری وحشتناکی همراه ساخت که تجلیات آن را ظرف مدت اخیر در زخدهای تهران و شهرهای دیگر دیدیم. صد رحمت به آنها که در ۴۰ سال قبل با نام والی و حاکم و نایب الحکومه بر استانها و شهرستانها و بخشهای کشور حکومت میکردند، آنها لاقبل یک عامل ترمز کننده و تعدیل کننده بنام معتقدات مذهبی داشتند که اینان نداشتند چرا که در این لحظه که من در این مکان مقدس صحبت می کنم همه آن عوامل نازاضی تراش و خود کامه بر سر کار هستند.

ملکناج برومند - کاملاً صحیح است.

دکتر واحدی - نمونه ای از ایداء مردم بوسیله مقامات دولتی که در این خصوص من و نمایندگان گران هم در دستم هستیم، آنکه حق انشعاب آب را در دوشهر بابل و گرگان در سال ۱۳۵۶، ناگهان از ۴ برابر تا ۱۴ برابر گران کردند. در همین مجلس فریاد کشیدم و از دولت سؤال کردم که آخر در کدام نظم اقتصادی دنیا افزایش قیمت کالاها ۴۰۰ تا ۱۴۰۰ درصد را تجویز کرده اند که در ایران آنها با اعلام اصل تثبیت و تعدیل قیمت کالاها و مبارزه با گران فروشی با مردم دوشهر ایران چنین می کنند؟
طغیانی - اصفهان هم بهمین درد مبتلا است.

دکتر واحدی - در این زمینه وزراء وقت نیرو می گفتند اگر گران است چرا مردم تقاضا میدهند گفتم درست است که اگر قیمت ها را هر چند گران کنید بالاخره مردم خریدارند ولی باید بدانید که مردم مجبور هستند و بحکم ضرورت اجتناب ناپذیر میخرند ولی ناراضی و عصبانی و عاصی هستند شما اگر نان را هم کیلویی ۲ تومان کنید باز مردم مانند مورد قبل که آب را خریدند نان را هم به این قیمت وحشتناک میخرند ولی آیا راضی هم هستند؟ به آقای وزیر نیرو گفتم و اینجا هم تکرار میکنم اگر افتخار دولت این بود و این میخواهد باشد که با گرانی بی رویه قیمت کالاها

و خدماتی که به مردم عرضه میکند خزانه دولت را بر کند این اشتباه محض است چرا که حتی از نظر اقتصادی نیز به زبان مسلم دولت است، با اضافه زبانهای سیاسی ناشی از عدم رضایت مردم، زیرا دولت هائی که این چنین پندارند باید در مقابل هر ریالی که بزور مردم میگیرند ۲ ریال خرج هزینه هائی کنند که باید برای مصون ماندن از سوجهای کولاک شده خشم مردم تخصیص یابد (صحیح است). پس اینها حتی از نظر اقتصادی هم قادر به درک و حفظ منافع دولت نیستند (احسنست). جناب آقای شریف امامی همانگونه که میشود نان را بر فرض کیلویی ۲۰ تومان بمرم فروخت و آب را که اکنون هم در شهرهای بابل و گرگان به ۴ تا ۱۴ برابر میفروشند و مردم هم بقول مقامات مسئول دارند میخرند، دلیل مقبولیت این برنامه های بی منطق نمیتواند باشد همانگونه که اکنون در سراسر ایران مردم تحت حکومت، افرادی هستند که هم در پشت میزهای حکومتگری سوء استفاده فراوان کرده اند و هم به مردم بی حرمتی نمودند ولی چون بر سر کار هستند این را هم مانند همان موارد گرانی آب و نان مردم بدانید که به آنها تحمیل کرده اند ولی آیا مردم راضی اند؟ بخدا... و نفر مردم طی طوماری با نام و مشخصات کامل و آدرس و امضاء نوشتند که ما مأموری را نمیخواهیم او به ما خیانت کرده است ولی میدانید آقای نخست وزیر چه کردند؟ هیچ تا این تاریخ که ۳ سال میگذرد علیرغم نظر مردم او را در همان سمت حفظ کرده اند تا بقول خود آن مأمور به حساب مردم برسد، مردمی که خواستار برکناری او بودند! بله جناب آقای نخست وزیر دولت ها با مردم قهر بودند و برای شما چه نام خوبی برگزیده شده است و این نشانه آن است که گفته می من بر حق است، مردم هم، جناب نخست وزیر نه تنها با دولتها قهر بودند بلکه دیدیم که در مورد فوق که موجب آزار مردم شهرهای بابل و گرگان و نظایر آن شده است ویر کناری عناصر حاکم مآب زدو بندچی مثبت که وقتی منصوب شدند حتی یک کاری نداشتند و پس از ۳ سال خدمت که چه عرض کنم خیانت مردم علاوه بر اتومبیل سرویس دولتی خود سواراتومبیل بنز شدند و خانم ماشین جداگانه و ویلاهای متعدد بنام خود و دیگر بستگان نزدیک میخرند شما اگر میخواهید با فساد مبارزه کنید جناب آقای شریف امامی تاکید می کنم که باید نخست با فساد مبارزه کنید و اگر چنین خواستید من همانطور که موارد

مستندی را امروز در این جلسه تاریخی اعلام جرم کردم، در سایر موارد که اشاره کردم حاضر برای شما شواهد مستند فراوان نیورم تا شرم تجاوزان به حقوق مادی و معنوی مردم را از سرشان کوتاه کنید (صحیح است)، آنچه ضرورت محتوم و اجتناب ناپذیر جامعه امروز ایران است براندازی دولت سالاری و ساختن نظام مردم سالاری است چرا که پایه و مایه همه چیز مردمند و باید از این مردم آزاده دلجوئی کرد. تیسار ارتشبد قه باغی شما که از سربازی به این مقام والا رسیده اید بهتر از هر کسی باید بدانید که استانداران و فرمانداران برج عاج نشین قادر به اجرای برنامه عظیم آشتی ملی نیستند. چون آشتی ملی احتیاج به داشتن رابطه با مردم دارد و آنها که جز ایداء مردم کاری نکردند و جز بی حرمتی آنان قدمی برنداشتند، جانی در بین ملت ندارند تا پل آشتی بین دولت و مردم باشند امروز وقت آن رسیده است که درگزینش استانداران بخصوص، چرا که وقتی استاندار خوب انتخاب شد، فرمانداران خوب انتخاب خواهد کرد، دقت و توجه خاصی معطوف شود، استاندار امروز ایران نه تنها ناراحت نمیشود بلکه باید افتخار بکند که به یک کارگر که دستش روغنی و کیفی است دست بدهد، سلطه ها و دوله ها و آقا زاده های آنها که قادر به چنین کار انسانی نیستند! جناب آقای شریف امامی من این مطالب را داشتم و میخواستم با استفاده از این فرصت طلائی بعنوان نماینده مردم تکلیفم را با احساس مسؤلیت کامل انجام دهم و این مسائل نیز بدیهی است جز در وضعیت مخالف، قابل طرح نبود و اما من که با سیمای نماینده مخالف این واقعیات تلخ و این جرائم مستند را اعلام کرده ام، گرچه مخالف صحبت کردم از آنجا که مملکت را در خلاء نمیتوان نگه داشت و دولت مسؤلی برای اداره کشور لازم است تا در مقابل مردم و مجلس مسؤلی باشد و قابل تعقیب لذا به دولت شما، رأی خواهم داد چرا که بحکم منطق باید بر اساس عمل و رفتار قضاوت کنم، شما تازه به عنوان رئیس دولت منصوب شده اید و برنامه ای ارائه داده اید که منم در قسمتهائی از برنامه شما به ذکر نارسائیها و ناراضی تراشیهائی که حتی سوء استفاده ها را نیز در بردارد اشاره کرده ام. بنابراین ما میرویم تا به کار شما و عمل شما بنگریم و آنرا بنمایندگی مردم ایران هر زمانه ارزشیابی کنیم، من امروز با این منطق که باید به کار و عمل شما توجه داشت و یادادن فرصت مناسب البته با سرعتی که ضرورت اجتناب ناپذیر جامعه امروز ایران است، در مورد شما قضاوت صحیح

و منطقی داشت شما را تأیید می کنم در واقع به شما فرصت میدهم و برای دولت شما آرزوی موفقیت در این برهه ی تاریخی و حساس می نمایم و البته هرگاه به آنچه گفته اید و بعنوان برنامه دولت ارائه داده اید عمل نکنید بدیهی است در آن روز من بوظیفه قانونی خویش عمل خواهم کرد (احسنست)، چرا که آنچه برای من و هر میهن پرست ایرانی حساس و حیاتی است، جاودانگی ایران است با حفظ ارزشهای اجتماعی و نظام سیاسی که حتی تاریخ ملامت جهان نتوانسته است در اصالت آن خدشه ای وارد کند و طبیعی است وقتی هدف بقای ایران قوی و شکوهمند با حفظ ارزشهای سیاسی و اجتماعی اصیل آن است در این رهگذر با هر عامل بازدارنده و هر موجب و علت ناراضائی ملی که لزوماً مغایر وحدت ملی و بقای ایران قدرتمند است، در جدال و مبارزه بی امان خواهم بود. (احسنست - احسنست)

پزشکپور - آقای دکتر واحدی برخلاف آئین نامه عمل کردند و بعنوان مخالف اسم نوشتند و جای مخالف واقعی را گرفتند این کار صحیحی نبود.

رئیس - آقای نواب صفا تشریف بیاورید.

نواب صفا - همانطور که مقام ریاست استحضار دارند بنده برای معالجه بخارج رفته بودم وقایع دردناکی در اصفهان رخ داد مردم اصفهان شهید داده اند و از من خواسته اند در این زمینه صحبت کنم.

حضار گرامی در ایران مرسوم است وقتی مهمان عزیزی بیخانه ای وارد میشود پبای او گوسفند قربانی میکنند ولی در پای شما آقای شریف امامی و دولت شما ملت ایران فرزندان شریفش را قربانی داد و این قربانی بسیار سنگین و پر قیمتی است که مسلماً شما و دولت شما با عرض و ابراز تأسف نمیتوانید بپای آن را بپردازید.

من روزیکه این حوادث خونین و مرگبار و تأسف آور در ایران روی داد برای معالجه بخارج رفته بودم واقعه اصفهان، فاجعه آبادان و مصیبت هائی را که در تهران روی داد از رادیوها و تلویزیونهای خارج شنیدم و در روزنامه ها خواندم حیف که در ایران نبودم تا روزیکه لایحه برقراری حکومت نظامی را در اصفهان بمجلس آوردند دولت را استیضاح کنم زیرا یک روز قبل از اینکه بسافرت بروم بوزیر کشور دولت قبلی تلفن کردم و گفتم آقای دکتر نصر، اصفهان آماده انفجار است مأموران شما نالایق و ناراضی تراش هستند و نمیخواهند خود را با هیچ مسئله و مشکلی روبرو کنند نه آنها با مردم کاری دارند

ونه مردم با آنها نمایندگان استان اصفهان از پنجاه پیش این موضوعات را بکرات بدولت ها تذکر میدادند در همین موقع بود که خانم محبی (برومند) از اصفهان به تهران میآمد چون وضع اصفهان را مستنج میدید به آقای رامبد گفت اصفهان نه مسئولین قابل داردونه اوضاع آرامی و از نخست وزیر خواست که وقتی برایش تعیین کنند تا اوضاع را تشریح کنند ولی وقتی برای ایشان تعیین کردند که نخست وزیر از سمت خود استعفا کرده بود اضافه کردم از قول من بجناب آقای نخست وزیر بگویند اگر این وضع در اصفهان ادامه یابد منتظر وقایعی نظیر تبریز باشید بدیخی ما اینست که دولت ها نسبت به قایق و مسائلی که نمایندگان مردم میگویند حساسیت نشان میدهند و چون در مسیر اندیشه ها و درخواست های مردم نیستند نماینده هر قدر هم که بی غرض و مرض باشد سعی میکنند که برعکس گفته او رفتار کنند در صورتی که آنچه را ما میگوئیم از زبان مردم میگوئیم و تمام دستگاه های سیاسی و انتظامی خودشانهم تأیید میکنند ولی دولت فکر میکند که اگر بگفته یک نماینده مجلس عمل کند به حیثیتش لطمه وارد میاید در صورتی که اینطور نیست (صحیح است) وجه عیب دارد وقتی یک نماینده را میشناسید و به بی غرضی اش ایمان دارید و میدانید که مأموران دولتی شما هم تالایق هستند و هم بی اعتنا بحقوق و مصالح مردم با مردم لجباجت نکنید بهر حال اینکارها نشد و اصفهان دچار چنان مصیبتی شد حالا هم بجای چاره اساسی حکومت نظامی را بعنوان ایجاد امنیت بر مردم مسلط کرده اند جواب خون هائی را که در اصفهان ریخته شده چه کسی میدهد؟ حکومت نظامی چه مشکلی را حل میکند؟ مردم وقتی اعتراض میکنند و بخاطر کشته شدگان نشان عزادارند مگر میشود با تومسری بسر کار فرستاد مردم را میکشند جامعه مسؤل است جامعه متعرض است. و این اعتراض را با نرفتن سرکار و با ضرر زدن بخودش نشان میدهد (صحیح است - احسنت)

آنوقت میخواهند بیزور او را و ادار بکار کردن بکنند بفرموده حضرت آیت اله العظمی شریعتمداری فرزندان ما جوانان ما پدران و مادران ما خواهران و برادران ما را میکشند و میگویند و انتظار دارند که یک آخ هم نکوئیم؟! مردم اصفهان شهید داده اند، کشته داده اند آنوقت میخواهید اعتراض آرام هم نکنند؟ و بکاسب ها میگویند اگر بر سر

کار نروید پروانه کسب شما لغو میشود؟! آیا اینکار صحیح است؟

آقا من خودم در تلویزیون های اروپا شاهد فیلمی بودم که توپ ها چگونه خانه های مردم را زیر آتش گرفته بود و چه شعله هائی از خانه های مردم به آسمان میرفت و خدا شاهد است که گریستم و تا صبح بخواب نرفتم. آقای نخست وزیر مسئول این خون ریزیها و این فجایع کیست؟ مردم بی سلاح و بی پناه خانه های مردم را که چنین باتش میکشند (صحیح است) درد این است که ما جامعه مذهبی و جامعه شیعی ایران را نمیشناسیم. در تشیع اگر یک بی گناه هم کشته شود همه اجتماع مسؤل هستند آنوقت دولت چگونه ممکن است که این مسؤولیت ها را نپذیرد مسؤل همه این خونریزی ها مسؤل همه این کشتارها دولت ها و مدیرانی هستند که در این ۴۰ سال گذشته با چپاول بیت المال مردم با بی اعتنائی بحقوق مردم با ایجاد خفقان و ترسانیدن مردم ، با ایجاد امنیت سیاه و امنیت ترس با تضعیف قوه قضائیه ، با بی توجهی بقوه مقننه با زندانی کردن جوانان بی گناه با مسخره کردن اعتقادات مذهبی با مسلط کردن حکومت زور و زور بجان و مال مردم و با دروغ گفتن ب مردم کار نارضایتی ها را با اینجا رسانده اند (صحیح است - احسنت) همه اینها را باید در یک محکمه انقلابی محاکمه کنید اگر آقای شریف امامی مرد این میدان هستید بدانید و گرنه وقت خودمان وقت مملکت را تلف نکنید اگر در بین هزاران نفری که در تهران کشته شدند و در بین تماشاگران بی گناهی که در سینمای آبادان سوختند و در بین مردمی که در قم و تبریز و اصفهان شهادت رسیدند حتی یک نفر بی گناه هم وجود داشته باشد همه ما مسؤلیم (صحیح است)

مادر این سه سال گذشته هر چه در مجلس گفتیم هیچکس گوش نکرد با سخنان ما را بگوش ملت ایران نرسانیدند یا تهدید ما ن کردند و با بگفته هایمان جواب های مسخره آمیز دادند. من بجرأت میگویم که در این مجلس با هر لایحه ای که بخواهد مصالح مردم آوردند مخالفت کردیم ولی گوش شنوا نبود روزیکه لایحه فروش تأسیسات کشاورزی را آوردند من و عده ای دیگر مخالفت کردیم و رای ندادیم ولی کسی قبول نکرد روزیکه لایحه ثبت اموال مقامات را آوردند همه حرف ها

را زدیم و درباره مبارزه با فساد تأکیدها کردیم ولی توجهی نشد روزیکه همکاران گرامی ما نظیر پزشکپور ، مظهری ، همین آقای دکتر عاملی که بسیار باو معتقدم (وزیر اطلاعات و جهانگردی) وزیر شده است درباره قانون از کجا آورده ای و مبارزه با فساد حرف زدند تنها جواب رئیس دولت این بود که بما چه از کجا آورده اند مملکتی داریم مرفه و هر کس چیز هائی دارد چه عیبی دارد و مگر ما گشتاپو هستیم و در دوره گذشته لایحه ای را به تصویب مجلس رسانده بودند که دولت هر وقت صلاح دانست قانون از کجا آورده ای را اجرا کند و متأسفانه شاهد بودیم که دولت ها هرگز آنرا صلاح ندانستند گوئی بر کشور مردگان حکومت میکنند و نمیدانستند که ملت ایران ملت مبارزی است سکوت او بتدریج مبدل بفریاد میشود تاریخ قهرمانی های ملت ایران را از یاد برده بودند و حالا کجا هستند آن آقایان که این فریادها را بشنوند خدا شاهد است که هرگاه مملکت دچار مخاطره شود یک نفر از آنها حاضر بقدا کاری نیست همین پاره ندها همین ستم دیدگان و همین میهن پرستان هستند که باز هم شهید خواهند داد (صحیح است) و حالا آقای نخست وزیر آیا باز هم موقع آن فرا نرسیده است که قانون از کجا آورده ای را اجرا کنید؟ باید همه مقامات ملت ایران جواب بدهند که از کجا آورده اند چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی ، در برنامه دولت آموزگار به تفصیل گفتم که بی عدالتی در جامعه بتدریج ریشه های فضیلت و تقوا را خشک میکند و مردم صمیم و خدمتگزار را مایوس و دل سرد میسازد و جامعه را بعضیان و امیدارد (احسنت) و حالا ببینیم که جامعه عصیان کرده است این بی عدالتی نیست که عده ای همه چیز داشته باشند و عده ای هیچ؟ کسانی در این مملکت وزیر و استاندار شدند که هرگز تصور آنرا هم نمیکردند اما بیاس این فرصت چه کردند؟ جز غارت بیت المال و تجاوز بحقوق مردم کسی که جنک های ملی شده را بین وزیران و امیران و صاحبان مقامات تقسیم کرد چرا مورد تعقیب قرار نگرفته است؟ کسانی که اراضی ملی شده را تصاحب کرده اند و برایش مردم و گریه های مردم میخندند و کسانی که این اراضی را در اختیار آنها قرار دادند و بفریادهای صاحبانش توجه نکردند باید محاکمه شوند و کلیه این اراضی در اختیار هر کس که هست باید بصاحبانش مسترد شود اراضی مردم را در اصفهان بقیمت نازل خریدند و ملک شهر ساخته اند در حالی که صاحبان بدبخت آن فریادشان بگوش کسی نرسید در سال گذشته دوست من آقای مظهری دیومرد سردخانه ها سؤالی از دولت کرده بی جواب ماند

زیرا سردخانه را مقامات خیلی بالا نگرفته بودند و گفتند که نمیتوانیم بتو جواب بدهیم. استانداری که وزیر شد و بشاهنشاه هم بدروغ گفت که خانه ندارم نامش در اینصورت هست یعنی بنام نامبارک ایشان و سردخانه هست حالا باسم خودش یا همسرش یا پسرش نمیدانم و خیلی های دیگر چرانمیشود بیک نماینده ملت جواب داد که سردخانه ها را چه کسانی گرفته اند و چه کسانی داده اند و این کسانی که در وزارت بازرگانی سرمایه ها انداخته اند و حالا هم لابد پولهایشان را یا بخرج فرستاده اند یا درصد فرستادن سرمایه ها هستند باز هم از کسی نمیپرند (صحیح است) آقای شریف امامی آیا باز هم مصلحت نیست که بگوئید صاحبان سردخانه ها چه کسانی هستند؟ آیا عدلیه باید باز تحت تأثیر باشد و قضات شریف را آواره و در بدر کرد؟ آیا کسانی که بشاهنشاه دروغ میگویند شاهدوست هستند یا کسانی که راست میگویند؟ آیا کسانی که زنده باد نمیگویند و خدمت میکنند ب مملکت رابطه دارند یا کسانی که زنده باد میگویند و مملکت را غارت میکنند؟ (احسنت) زندانیان سیاسی را آزاد کنید تا هزاران هزار جوانی که ایران را دوست دارند و از ترس بایستاده نمانند بکشور برگردند و صادقانه خدمت کنند خدا شاهد است جوانان ما در خارج با عشق از ایران یاد میکنند و با ترس از ایران میگریزند و قلبشان با یاد ایران می تپد ملت ایران امروز همه نیرنگ های استعمار نوین یا امپریالیزم را چه راست و چه چپ میشناسد ولی استعمار فرهنگی از همه خطرناک تر است گفتم جوانان ما با فرهنگ ملی خویش نا آشنا هستند و تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار میگیرند گفتم جامعه ایران یک جامعه مذهبی است و گفتم که نه وزارت فرهنگ و هنر و وزارت اطلاعات و نه سازمان رادیو تلویزیون بوظائف خود عمل نمیکند صدها میلیون بودجه را معلوم نیست سازمان رادیو تلویزیون طی سالیان متمادی چگونه خرج کرده است آقای شریف امامی من از دولت شما و وزیر اطلاعات میخواهم که بحساب های این سازمان رسیدگی کنید و ببینید پولها بچه صورتی خرج شده است و چه بازدهی داشته است اینهمه پولهای گراف که خرج جشن های بیهوده شده است این همه بودجه که صرف اجاره محل های متعدد و نمایندگی های خارج از کشور گردیده است بچه کیفیتی بوده و حساب و کتابش با کیست؟ (احسنت) ما بقول سعدی سنگ را می بستیم و سنگ را باز میکردیم در حسینیه از شاد را می بستیم و مبلغ بزرگ و

اسلام شناس مجاهد و یگانه مغز متفکری که در طول قرنها نظیر او بوجود نیامده یعنی دکتر علی شریعتی را از نوشتن و گفتن بازمیدانسیم و بروشنفکران عوضی در سازمان رادیو و تلویزیون اجازه میدادیم که با فرهنگ ملی ما و با مذهب ما هرچه میخواهند بکنند (صحیح است - احسن است) دکتر شریعتی اگر در هر کشور اسلامی دیگری بود او را بزرگ میکردند تقویت میکردند تا در سایه افکار و اندیشه‌های او با ما رقیب مبارزه بی‌امان صورت گیرد ولی ما چنین نکردیم و کاری کردیم که چراغ عمر شریفش او دور از وطن و نا بهنگام یعنی در موقتی که زمان باروری اندیشه‌های او بود خاموش شود این کارهاست که جوانان ما را مأیوس میکند (صحیح است).

چند سال پیش آقای دکتر کیانپور وزیر اطلاعات شد و ارمغان او بملت ایران خفتان سیاه بود خفتان مطبوعات ده‌ها نشریه را بدون مجوز تعطیل کرد. قلم‌ها را شکست و زبانها را بست (صحیح است) بنام اصلاحات، صدها نویسنده که تنها مرم معاش و عایداتشان روزنامه بود بیکار و سرگردان ماندند نویسندگانی که قلم با جانشان بسگی دارد بقلم عشق میورزند نه بیمه دارند نه بازنشستگی و نه تأمین مالی ایکاش در انجام اینکار یک ضابطه صحیح و اصولی وجود داشت. در اصفهان قریب ۵ روزنامه را تعطیل کرد روزنامه‌هایی را نظیر روزنامه اصفهان بمدریت امیرقلی امینی که از مفاخر شهرها بود، فاضل بود، نویسنده بود، مترجم بود خود ساخته و مبارز بود با نصف تنه علیل و در روی تخت هفتادسال قلم زده بود پرورشگاه ساخته بود، رئیس انجمن شهر و شیر و خورشید سرخ شده بود خدمت‌ها کرده بود، کتابها نوشته بود نشان علمی و جایزه ترجمه بهترین کتاب گرفته بود (احسن است)، محترم بود، انسان بود و سالها قلم زده بود و چیز نوشته بود از نویسندگی محروم کرد (صحیح است) و روزنامه‌اش را بفردی داد که سالها بشاهنشاه و نظام شاهنشاهی اهانت کرده بود، همکار حزب توده بود و از همه مهمتر از گروه ضاله بود و هر قدر این مرد و دوستانش اعتراض کردند بجائی نرسید و میگفت قبلا همه چیز بعرض رسیده است و مردم وقتی میدیدند که فضیلت جایش را بر ذیلت داده و وطنپرست جایش را بوطن فروش داده میخواهد که نسبت بحکومت خوشین باشند همین روزنامه در سال گذشته قریب یک میلیون تومان عایدی داشت عایدی بیاس خیانت‌هایی که کرده بود این یک نمونه کوچک است از اصلاحات عادلانه وزیر اطلاعات

که سپس بخاطر داشتن مغزی متفکرو داشتن عدالت وزیر دادگستری شد و کارهای او در دادگستری نیز اظهار من الشمس است و بیازی بگفتن ندارد و کسی که میگفت با کفش پاره تحصیل کرده ام معلوم نیست کاخش را از کجا آورده و شما آقای دکتر باهاری امروز وارث کارهای او هستید. خوب با این ترتیب میخواهید باورهای جامعه سست و سست‌تر بشود؟ میخواهید حرفهای حکومت را قبول داشته باشند؟ حمیدرهنما که فرزند قلم بود و دانش، زیر بار چنین عمل ننگین نرفته بود و حالا آقای شریف، امامی امیرقلی امینی دق مرگ شد ولی مسؤول چنین اعمالی چه کسی است و آیا نباید از این شخص پرسید که چرا چنین کردی؟ هر کس هر کاری کرد گذشته است و رفته است یا باید حساب این کارها روشن شود تا در آینده این ستم‌ها و این حق‌کشی‌ها تکرار نگردد (صحیح است)

نمونه‌های دیگر از خود کامگی و ستم و بی‌اعتنائی با افکار عمومی مسئله دانشگاه اصفهان و کارهای دکتر معتمدی بود که در مدت ده سال ریاست دانشگاه اصفهان با هر چه دانش و شعور و فضیلت است دشمنی کرد در این مدت هر چه کرد کارهای نامی بود و توخالی کارهای فیزیکی یعنی ساختمان پشت ساختمان تا رهبر مملکت را فریب بدهد اما در دل این ساختمانها از نوردانش و القاء علم و پرورش دانشجویان کارآمد و حمایت از اساتید آگاه و ورزیده و فاضل خبری نبود یک دیکتاتور مطلق بر استادی که در ماشین را برای او بایز میکرد و با وسعده میکرد هر قدر بی‌سواد از همه امتیازات برخوردار میشد فردی را برای یک دوره آموزش بفراشه فرستاد که زبان فرانسه نمیدانست از رابطه استاد و دانشجو خبری نبود، به استادی درس و وطنپرستی میداد که شخصیت داشت و فضل داشت و پربار و پرکار بود کلاهش پس سر مرکه. استاد یار را بر ریاست گروه میگماشت و استاد مسلم را بیچ نمیگرفت در عرض یکسال متجاوز از پنجاه طبیب متخصص از اروپا و آمریکا برگشته بعلت نبودن فضای علمی و خدمتی لازم دانشگاه اصفهان را ترك کردند این اعتراضها همه منعکس شد اما دیکتاتور یعنی معتمدی که پشتش بجای دیگر و جاهای دیگر گرم بود صدای آنها را خفه کرد و تا آنجا که توانست تاخت و تاز کرد (صحیح است) استادان بی‌سواد و بی‌اعتقاد نورچشمی بودند و سوگلی واز همه مزایا برخوردار. بیک استاد یار بجرم اینکه به مسائل ملی و میهنی علاقه داشت هنوز که هنوز است بعنوان مختلف رتبه دانشیاری اش را نداده اند و یک فردی سواد

را رئیس دانشکده کرد و به کتاب او که بدین مقدس اسلام تاخته بود آقای رئیس دانشگاه مقدمه نوشت (صحیح است). دانشجو ناراضی و استاد ناراضی فقط آقای دکتر معتمدی راضی و بخاطر این همه خدمت در آخر کار وزیر علوم شد کسی که در کنکور استادیاری همان دانشگاه اصفهان قبول نشده بود سالها رئیس همان دانشگاه شد و وزیر علوم و در آخر رئیس دانشگاه مادر یعنی دانشگاه تهران و دیدیم که بر سر دانشگاه تهران چه آورد خوب آقای شریف امامی دانشجو وقتی حرف منطقی اش بجائی نمیرسد و خریداری ندارد مسلم است که ناراضی میشود و عصیان میکند و آنوقت جوابش را با گلوله میدهند و جان عزیزترین فرزندان این آب و خاک را میگیرند. بکارهای دکتر معتمدی و دکتر معتمدی ها چه وقت و چه کسی باید رسیدگی کند؟

استاد اصفهان را که پولهای حاجی‌ها را بحساب شخصی اش ریخته بود وزیر میکنند چطور میخواهید جامعه حکومت را قبول کند انصاف داشته باشید مردم ایران چقدر میتوانند دروغ تحویل بگیرند و تبعیض ببینند (احسن است) الان اطلاع رسید که جناب نخست‌وزیر دستور فرموده اند پروانه کسب کسانیرا که در اصفهان لغو کرده اند بآنها پس بدهند از این لحاظ بسیار متشکرم (احسن است).

با وزیری که برق مملکت را برسوانی کشید و کشاورزی مملکت را فلج کرد چه کردند جز اینکه جاو مقامی دیگر دادند با حقوق بیشتر؟ این هزار بزدانی هامل علف هرز از کجا سبز میشوند یک چوب‌داری سواد یک‌مشت چاقوکش را اجیر کرد و مردی بی‌نوا بنام اخوان را آقدر زده اند که فلج شده است زیر حمایت چه کسانی چنین گستاخ شده است این پرونده‌ای که برای زندانیان ساختند و بتحریر او چه بود آقای وزیر دادگستری چطور یک مشت مردم بی‌گناه را گرفتند و مدت‌ها در زندان نگاه داشتند این ستم‌ها را دستگاه قضائی چرا مرتکب

میشود حیثیت و آبروی عده‌ای رفت بدون اینکه در این ماجرا دخالتی داشته باشند هر چه وام بود صندوق توسعه کشاورزی با مثال هژبر یزدانی داد (صحیح است) در سراسر ایران با پول ملت با پول بانک‌ها هر کجا میروید کشت و صنعت این عالی جناب است کارخانه‌ها خرید، خانه‌ها خرید ولی با پول ملت و روزی هم که اینها را از او بگیرند چیزی را از دست نداده است زیرا همه متعلق به بانک‌هاست. این تجاوزات بحقوق ملی نتیجه اش این قیام‌ها و اقدام‌هاست. جامعه ایران یک جامعه بیدار و هوشیار است نه یک قبرستان بنابراین رفتار دولت باید جواب‌گوی این بیداریها و هوشیاریها باشد که من اعتقادی بتوفیق این دولت آنهم در سایه سرنیزه ندارم (احسن است).

رئیس - آقای دکتر رئیس تشریف بیاورید.
دکتر رئیس - جناب رئیس، همکاران محترم، همکار بسیار عزیز و دانشمند جناب نواب صفا روزی که من صحبت میکردم اینجا تشریف نداشتند، من هیچوقت با کشتار موافق نبودم و گفتم عزادارم، چنانکه همه ما عزاداریم و آقای نواب صفا هم عزادارند اگر عضو قانقاریائی را مثال زدم منظورم کسانی بود که در صفوف بی‌آرایش و ساده مردم رخنه میکنند و تظاهرات پاك آنها را از مسیر خود میخواهند منحرف سازند.

۳ - اعلام دستور و تعیین موقع جلسه آینده - پایان جلسه.
رئیس - از طرف عده‌ای از نمایندگان پیشنهاد کفایت مذاکرات در باره برنامه دولت رسیده است، نظری نیست؟ (اظهاری نشد) باین پیشنهاد رأی میگیریم خانها و آقایانی که موافقت خواهش میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد، چون ساعت و وقت این جلسه تمام شده است اگر اجازه بفرمائید بقیه برنامه به جلسه آینده که ساعت و صبح روز شنبه پس فردا است موکول میکنم. (جلسه ساعت نوزده پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی